

همترازخوانی در مجلات علمی

(مطالعه موردی مجله جامعه‌شناسی ایران)^۱

سیدآیت‌الله میرزایی، محمد ابویی اردکان، معصومه قاراخانی، فاطمه شیخ‌شعاعی

«بخشی از بلوغ محقق شدن درک این نکته است که هیچ دست‌نوشته‌ای هرگز کامل نیست.»

(اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۵)

همترازخوانی^۲ ارزیابی انتقادی و سازنده از دست‌نوشته‌های^۳ ارائه شده به مجلات است که توسط افراد متخصص و همتراز با نویسنده دست‌نوشته صورت می‌گیرد. با توجه به بدیع بودن موضوع داوری مقالات علمی در زبان فارسی، ابتدا مفاهیم، اصطلاحات و تحولات مربوط به فرایند داوری دست‌نوشته‌های علمی بررسی می‌شود. سپس فرایند همترازخوانی در مجله جامعه‌شناسی ایران برای ارائه الگویی از این فرایند در مجلات علمی پژوهشی در

۱. شایسته است از مدیر مسئول، سردبیر و اعضای محترم تحریریه مجله جامعه‌شناسی ایران که اجازه استفاده از اطلاعات آرشیو داوری‌های این مجله را به تیم پژوهشی ما دادند، سپاسگزاری نماییم.

۲. اصطلاح همترازخوانی به‌عنوان معادل peer review توسط آقای دکتر سمایی، زبان‌شناس و عضو هیئت علمی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، به نویسندگان مقاله پیشنهاد شده است.

۳. منظور از «دست‌نوشته» manuscript در سراسر این متن پیش‌نویسی است که هنوز به چاپ نرسیده است. پس از چاپ این دست‌نوشته در مجلات، مجموعه مقالات و... پیش‌نویس مذکور هویت یک مقاله را پیدا می‌کند.

ایران بررسی می‌شود. نوع فرایند همترازخوانی مورد استفاده در *مجله جامعه‌شناسی ایران* مبتنی بر شیوه داور پنهان دوطرفه^۱ است. در این پژوهش خصوصیات فرایند داوری در این مجله با توجه به ویژگی‌های عمومی فرایند و نیز ویژگی‌های داوران از جمله سن، جنس، رشته تحصیلی، رتبه علمی و... مورد بررسی قرار گرفته است. اسناد مورد تحلیل شامل ۷۹۸ سند داوری در مورد ۴۱۸ دست‌نوشته و حاصل همکاری ۱۲۶ داور (۱۰۴ داور مرد و ۲۲ داور زن) می‌باشد. در مدت ۴ سال یعنی از نیمه دوم سال ۱۳۸۱ تا نیمه اول سال ۱۳۸۵ قریب به ۵۷۰۰ ساعت کار علمی در رابطه با دست‌نوشته‌های دریافتی توسط داوران و اعضای هیئت تحریریه منتخب^۲ مجله صورت گرفته است. متوسط زمان صرف شده از زمان دریافت دست‌نوشته تا اعلام نتیجه به نویسندگان برای هر دست‌نوشته ۱۳/۶ ساعت و میزان رد دست‌نوشته‌ها توسط داوران *مجله جامعه‌شناسی ایران* بیش از ۸۰ درصد بوده است. و نرخ رد دست‌نوشته‌ها نزد داوران خارج از مجله کمی بیش از داوران داخلی / اعضای هیئت تحریریه است. نتایج آزمون رگرسیون لاجستیک نشان می‌دهد از میان متغیرهای جمعیت‌شناختی داوران بین رشته تحصیلی، خارجی یا داخلی بودن داور و رتبه دانشگاهی با نتیجه داوری (پذیرش یا عدم پذیرش) رابطه معنی‌داری وجود دارد و سایر متغیرها رابطه‌ای با نتیجه داوری ندارند.

مفاهیم کلیدی: همترازخوانی، داور، فرایند داوری، مقاله‌های علمی، مجله جامعه‌شناسی ایران.

مقدمه

جامعه‌شناسی علم، بنا بر تعریف کلاسیک‌اش، عبارت است از مطالعه و بررسی رابطه بین فضای علم و جامعه. در این میان فضای علم خود شامل عناصری از قبیل: دانشمندان، نهادهای آموزشی و پژوهشی، مؤسسات علمی، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، همین‌طور هنجارهای علمی، جو علمی و... است. نزد کارکردگرایان چون مورتن، علم به‌عنوان یک نهاد اجتماعی با شکل سازمانی و اخلاقی خاص مورد نظر است و فرض بر این است که انطباق با هنجارهای نهادی، یکی از ویژگی‌های اساسی علم جدید است. عقیده اصلی این است که کنش‌هایی که با این هنجارها مغایر باشند مسلماً از رشد معرفت علمی خواهند کاست. این ویژگی ناظر بر رابطه میان سرشت علمی و زمینه اجتماعی است و مرکب از مجموعه هنجارها، ارزش‌ها و قواعدی است که از جانب نهاد علمی به رسمیت شناخته می‌شود. سرشت علم از این جهت جنبه

1. double-blinded refereeing

۲. منظور از اعضای هیئت تحریریه منتخب، تیم کاری ناظر بر فعالیت‌های علمی و اجرایی تولید مجله *جامعه‌شناسی ایران* است که توسط مدیر مسئول مجله از میان اعضای هیئت تحریریه بزرگ‌تر (مندرج در داخل جلد مجله) انتخاب و دعوت به همکاری می‌شوند. تعداد اعضای تحریریه منتخب تقریباً نصف اعضای شورای علمی مجله است.

کارکردی دارد و در خدمت هدف نهاد علمی، یعنی افزودن بر مجموعه شناختی محک خورده و آزموده و توسعه آن قرار می‌گیرد. مرتن بیان داشت که علم، مثل تمام فعالیت‌های اجتماعی دیگر، اگر بخواهد توسعه یابد و شکوفا شود، نیازمند حمایت ارزش‌های گروه است که خود مستلزم شکل‌گیری «اجتماع علمی» است و به‌مثابه «جمعی که هنجارها، سیاست‌ها و الگوهای رفتاری خودش را پدید می‌آورد» به‌شمار می‌آید. ساختار درونی این اجتماع علمی به‌زعم بن‌دیوید باعث بقا و دوام فرایندهای اجتماعی انگاشته شده است که حفظ نظم، اعطای پاداش‌ها و اجازة اعمال نظارت بر کیفیت معرفت علمی تضمین شده را می‌دهند (گلوور، ۱۳۸۴: ۱۸-۸۳). «افزودن بر مجموعه شناختی محک خورده و آزموده و توسعه آن» راهبرد اجتماع علمی و موضوع همترازخوانی است که به‌عنوان بخشی از هنجارهای درونی نهادها و سازمان‌های علمی در پرتو جامعه‌شناسی علم قرار می‌گیرد، که این مهم در ذیل اهداف و سیاست‌های انجمن جامعه‌شناسی ایران و اساسنامه مجله جامعه‌شناسی ایران به‌طور مستقیم و غیر مستقیم مورد تأکید قرار گرفته است (بنگرید به گزارش عملکرد و انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۵).

چنان‌که می‌دانیم، یکی از راه‌های رشد و توسعه هر حرفه‌ای برقراری ارتباط بین اعضای آن حرفه است. این ارتباط به منظور تبادل افکار، عقاید و گرایش‌های جدید در داخل آن حرفه و انتشار نتایج حاصل از پژوهش‌ها صورت می‌گیرد (کوئیلیو و فورگ، ۲۰۰۰). مسیرها و مجراهای رسمی و غیررسمی گوناگونی برای برقراری این ارتباط علمی وجود دارد، که از جمله آن‌ها می‌توان به انتشارات علمی (مجلات، کتاب‌ها، خبرنامه‌ها، گزارش‌ها)، کنفرانس‌های علمی، و نشست‌های دوستانه اشاره کرد (ای.پی.ای، ۲۰۰۱). مجلات رایج‌ترین مسیر و رسانه رسمی تبادل یافته‌ها و نتایج علمی روزآمد شناخته می‌شوند. مجلات حرفه‌ای مسئول جذب و ارزیابی مقاله‌ها و نوشته‌های تولیدشده در یک حرفه هستند، به‌همین دلیل می‌توان آن‌ها را نمایندگان حرفه‌ها و رشته‌های تخصصی در سطح جوامع علمی دانست. زیمن، راوتز و میدوز^۱ چهار عملکرد اصلی را برای مجلات علمی در نظر می‌گیرند که عبارتند از: اشاعه دانش متداول، آرشیو دانش اصیل، کنترل کیفیت اطلاعات منتشر شده، و ارتباط اعتبار و اهمیت آثار منتشر شده با نویسندگان آن‌ها (به نقل از رولند، ۲۰۰۲).

از میان موارد یاد شده، مهم‌ترین عملکردی که می‌توان برای مجلات علمی در نظر گرفت، کنترل کیفیت اطلاعات منتشر شده^۲ به‌منظور اشاعه اطلاعات صحیح و معتبر است. بنابراین، از

1. Ziman, Ravetz & Meadows

2. quality control of published information

آنجا که نتایج پژوهش‌ها بعد از چاپ در مجلات علمی مورد استناد متخصصان و پژوهشگران قرار می‌گیرند، سردبیران مجلات وظیفه سنگینی در زمینه تضمین کیفیت پژوهش‌های منتشر شده دارند. اما از آنجا که سردبیران مجلات نمی‌توانند در همه زمینه‌های موضوعی تحت پوشش مجله متخصص باشند، به‌خصوص اگر مجلات در یک حوزه عمومی علمی منتشر شوند، به ناچار باید از متخصصان گوناگون برای بررسی مقاله‌های دریافت‌شده کمک بگیرند (ون‌روین، ۲۰۰۱). رایج‌ترین روشی که مجلات برای تضمین کیفیت مقاله‌ها در نظر می‌گیرند، استفاده از فرایند هم‌ترازخوانی است. در این فرایند، مقاله توسط متخصصان هم‌تراز^۱ نویسنده اثر بررسی می‌شود. این بررسی دارای مجموعه‌ای از فرایندهاست که از طریق آن کیفیت مقاله‌های منتشر شده تضمین می‌شود. پر واضح است که سرانجام مقاله‌ها به دلیل انتقادهای سازنده داوران و سردبیران نسبت به نسخه اولیه ارائه شده به مجله بهتر خواهند شد (ویلیامسون، ۲۰۰۳) و فرایند هم‌ترازخوانی موجب ایجاد ارزش افزوده در مقاله‌های منتشر شده می‌شود (بنوس، کرک، و هال، ۲۰۰۳؛ کوئلیو و فورگ، ۲۰۰۰). این موضوع به اندازه‌ای اهمیت پیدا کرده است که حتی شهرت و وجهه سازمانی اعضای هیئت علمی نیز در اکثر موارد به تعداد مقاله‌های منتشر شده آن‌ها در مجله‌هایی دارای فرایند هم‌ترازخوانی بستگی دارد (هرنان و شوارتز، ۲۰۰۳)، که این امر به نوبه خود اشاره به میل تأیید شدن از جانب هم‌تایان دارد. برای رسیدن به این هدف، دانشمندان «پاداش‌هایی» را به اجتماع علمی به شکل اطلاعات قابل انتشار عرضه می‌کنند. انتشار مقالات مبین نائل شدن به معیارهای این اجتماع است، زیرا مجلات علمی صرفاً بخشی از مقالاتی را که آن‌ها عرضه کرده‌اند بر می‌گزینند (گلوور، ۱۳۸۴: ۸۰-۸۱). البته پرواضح است که اهمیت و اعتبار مجلات علمی هم به سیاست داوری و فرایند هم‌ترازخوانی بستگی دارد.

با توجه به عملکرد اصلی مجلات علمی (کنترل کیفیت اطلاعات منتشر شده)، اهداف فرایند هم‌ترازخوانی دو جانبه است. اول این‌که، با توجه به پژوهش‌های منتشرشده و منتشرنشده قبلی، بین پژوهش‌های خوب و بد تمایز قائل می‌شود. دوم این‌که، نویسنده را از روند اصلاحات برای بهبود دستنوشته‌اش آگاه می‌کند (ون‌روین، ۲۰۰۱). لذا این فرایند ارزش آموزشی زیادی برای نویسندگان، داوران و سردبیران دارد. همچنین برای خوانندگان مجلات نیز ارزشمند است، چراکه نگران خواندن مقاله‌های نامناسب و غیر استاندارد نخواهند بود. اما با این حال این امکان وجود دارد که اجرای ضعیف این فرایند نه تنها منجر به دستیابی به چنین

1. peer

امتیازاتی نشود، بلکه مشکلاتی نیز در راه انتشار مقاله‌ها به وجود آورد (ویلیامسون، ۲۰۰۳).
 مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران مجله‌ای نوپاست که در اندک سال‌های فعالیت خود مورد اقبال جامعه‌شناسان و حتی پژوهشگران رشته‌های همجوار واقع شده است. در خلال سال‌های اخیر، این مجله آرشيو نسبتاً کاملی از مستندات مربوط به داوری مقالات در مراحل مختلف، از مرحلهٔ دریافت دست‌نوشته تا پذیرش و چاپ مقاله، ایجاد کرده است، که تجربه و زمینهٔ مناسبی را برای مطالعهٔ فرایندهای انتشار یافته‌های پژوهشگران در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی و نیز بررسی الگوها، هنجارها و شیوه‌های تولید علم جامعه‌شناسی در دستیابی به «اهداف علمی-رشته‌ای^۱ و حرفه‌ای^۲» (عبداللهی، ۱۳۸۱) و تقویت اجتماع علمی جامعه‌شناسی علی‌رغم «ضعف اجتماعات علمی در ایران» و «جریان ضعیف نقد، بررسی و تبادل آرا و افکار، فقدان حرفه‌ای شدن و ضعف اخلاقیات و هویت علمی» (قانع‌راد، ۱۳۸۱: ۵۵) فراهم نموده است.

در این راستا، مقالهٔ حاضر تلاش دارد تا به برخی از پرسش‌های رایج در خصوص داوری دست‌نوشته‌ها در مجلات علمی بپردازد. یکی از مهم‌ترین این مسائل «فرایند داوری دست‌نوشته‌ها» است که به شیوهٔ ارزیابی کمی و ارزشیابی کیفی توسط افراد همتراز با نویسندگان مرتبط می‌شود. پژوهش حاضر فرایند همترازخوانی را موضوع بررسی تجربی خود قرار داده و با استناد به داوری‌های موجود در آرشيو مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران سیمایی^۳ از فرایند داوری در این مجله و عوامل تأثیرگذار در آن را ترسیم می‌کند.

اگرچه در فرایند همترازخوانی دست‌نوشته‌های آماده شده توسط پژوهشگران به صورت رسمی برای نقد در اختیار افراد همتراز قرار می‌گیرند؛ اما همه اذعان داریم که بهترین داور یک دست‌نوشته قبل از انتشار خود نویسنده و پس از انتشار مخاطبان مجله هستند. از این نظر، مجله عرصهٔ انتشار دعاوی علمی و نقادی‌های مکرر به جهت تنقیح آن دعاوی در حوزهٔ علمی مورد نظر خواهد بود و به قول دارندورف (۱۳۷۷)، «از طریق نقد خلاق متقابل است که ما می‌توانیم به پیشرفت در شناخت‌های علمی دست پیدا کنیم» و در نهایت انباشت و اندوختهٔ مبتنی بر منطق آن علم مسیر مطمئن و قرین به صحتی را طی خواهد نمود. برای مجله‌ای که تمرین‌ها و تجارب علمی را زمینه‌ای برای یافتن قواعد و هنجارهای متناسب با شرایط تولید و انتشار خود قرار داده و در جهت بهبود کیفیت مقاله‌های منتشرشده گام بر می‌دارد، دشواری‌هایی وجود دارد؛ از جمله پاره‌ای سوءتفاهم‌ها که به هنگام فرایند همترازخوانی به وجود می‌آیند. و معمولاً در این

1. Scientific Disciplinary Goals
 3. profile

2. Professional Goals

موارد هیئت تحریریه با اعتراض‌های شفاهی و گاه کتبی از سوی کسانی رو به رو می‌شوند که مقاله آن‌ها «غیر قابل چاپ» اعلام شده است.^۱ از طرفی، در مواردی فرایند طولانی، غیر پاسخ‌گو و ناامیدکننده اخذ نتایج داوری اعتراضات مکرر نویسندگان دست‌نوشته‌ها را به همراه داشته که با مراجعات و تماس‌های مکرر خواهان پاسخ‌گویی هستند.

در همین راستا، در این مقاله تلاش می‌نماییم به برخی از سؤالات مطرح در زمینه فرایند همترازخوانی پاسخ دهیم. فرایند همترازخوانی چیست؟ داور دست‌نوشته چه کسی است؟ چگونه انتخاب می‌شود؟ ویژگی‌های داوران چیست؟ و پرسش‌های دیگری از این دست، که در این مقاله به آن‌ها پاسخ می‌دهیم. با مرور این پرسش‌ها و با ارجاع به تجربه مجله جامعه‌شناسی ایران قصد داریم بدانیم فرایند همترازخوانی در این مجله از چه الگویی پیروی می‌کند و عوامل تأثیرگذار در رد و قبول دست‌نوشته‌ها کدامند. لذا با توجه به متغیرهای سن، جنس، رتبه دانشگاهی، رشته تحصیلی، نوع داور (داخلی / خارجی) و... فرایند همترازخوانی در این مجله را بررسی نموده و ضمن توجه به درجه تعیین‌کنندگی هرکدام از این متغیرها تصویری از این فرایند در مجله ارائه می‌نماییم.

تاریخچه و روند تحول فرایند همترازخوانی

مفهوم سیستم داوری^۲ به بیش از ۳۰۰ سال قبل برمی‌گردد. این فرایند از بریتانیا و از زمانی آغاز شد که انجمن‌های پزشکی کمیته‌هایی را برای ارزیابی مقالات ارائه شده به مجلات‌شان

۱. اغلب با این اظهارات شفاهی و کتبی از سوی نویسندگانی که دست‌نوشته‌های‌شان رد شده است، مواجه می‌شویم «لایذ مقاله من را به داوری دادید که در این حوزه تخصص نداشته است»، «شاید مقاله من دست داور سخت‌گیری افتاده بود»، «داور اصلاً مقاله من را ننهیمده است»، «داور مرا شناخته و با شناخت من مقاله‌ام را رد کرده است»، «می‌توانم حدس بزنم مقاله من را به چه کسی دادید، او اصلاً اجازه نمی‌دهد غیر از خودش کسی در این حوزه پا بگذارد»، «این مقاله را باید فلانی داوری می‌کرد»، «ما هم اگر پارتی داشتیم می‌توانستیم مقاله‌های‌مان را چاپ کنیم»، «داوری‌های مجله سلیقه‌ای است»، «اصلاً مقاله مرا داوری نکردید»، «داوران مجله هم به سفارش مجله عمل می‌کنند»، «در این مجله به اسم من حساسیت دارند»، «مجله شما مقالات افراد خاصی را منتشر می‌کند»، «محقق عملی می‌کنید»، «مجله در انحصار افراد خاصی است... حتی نویسنده‌ای از سر تواضع اظهار داشته که «در صورتی بد مجله مقاله می‌دهم که کسی آن را داوری نکند؟!» به این معنی که کسی حق داوری مقاله وی را ندارد و انتظار چاپ مستقیم آن را بدون طی مراحل داوری دارد. نویسنده‌ای دیگر اظهار داشته «اگر من جای سردبیر مجله بودم مقالات افراد صاحب نام را بدون داوری منتشر می‌کردم».

2. refereeing system

تشکیل دادند. انجمن سلطنتی ادینبورگ^۱ در سال ۱۷۳۱ در مقدمهٔ اولین شماره از مجلهٔ مقالات و یافته‌های پزشکی^۲ آورده بود که دست‌نوشته‌های ارائه شده به افراد صاحب تخصص در آن موضوع ارائه می‌شوند و تا زمانی که مهر تأیید دریافت نکرده‌اند چاپ نمی‌شوند (مانسکه، ۱۹۹۷). نشریهٔ فلسفی انجمن سلطنتی^۳ انگلیس که در سال ۱۶۶۵ بنیانگذاری شد، یکی از اولین نشریاتی بود که بین آثار ارزیابی شده و ارزیابی نشده تمایز قائل شد. مقالات ارائه شده به این نشریه توسط اعضای شورای انجمن مورد بررسی قرار می‌گرفتند (کرافورد، ۱۹۸۸؛ هرنان و شوارتز، ۲۰۰۳؛ ولر، ۲۰۰۱).

همزمان با افزایش تعداد روزنامه‌ها و مجلات عمومی در اوایل قرن نوزدهم، تعداد مجلات تخصصی پزشکی نیز افزایش یافت. با توجه به معرفی مقولهٔ داوری در اواخر قرن هجدهم، انتظار می‌رفت که این فرایند نیز همزمان با افزایش تعداد مجلات پیشرفت سازماندهی شده و منظمی داشته باشد، اما چنان‌که از شواهد برمی‌آید عواملی سبب شد که این فرایند تا اواسط قرن نوزدهم کاملاً بدون ساختار و غیر منظم به راه خود ادامه دهد. مالکیت و انتشار مجلات پزشکی قرن نوزدهم را اغلب سردبیرانی بر عهده داشتند که بیشتر نگران کمیت بودند تا کیفیت و در نتیجه این مجلات که فرایند داوری را طی نکرده بودند، بیشتر بیانگر عقاید شخصی سردبیر بودند. همچنین در این قرن مجلاتی که متعلق به مؤسسات خصوصی بودند و در زمینه‌های تخصصی کار می‌کردند، افزایش چشمگیری داشتند. از آن‌جا که رئیس این مؤسسات که اغلب سردبیر مجله نیز بود مسئولیت همهٔ کارها را بر عهده داشت، فرایند داوری از نظر آن‌ها ضرورتی نداشت. عوامل محدودکنندهٔ دیگر اندک بودن تعداد دست‌نوشته‌های ارائه شده، نمایشی بودن سمت اعضای هیئت تحریریه و عدم همکاری در داوری دست‌نوشته‌ها، و قبول نداشتن داوری دیگران بودند. به تدریج، دو عامل مقاومت نسبت به فرایند داوری را کاهش دادند. اولین مورد تخصصی شدن مداوم و تدریجی علم پزشکی در حوزه‌های بالینی و علوم پایه بود. رؤسای مؤسسات خصوصی به تدریج دریافته‌اند که قادر نیستند به تنهایی وضعیت همهٔ دست‌نوشته‌های ارائه شده را مشخص کنند، و بنابراین نظر متخصصان را جویا شدند. عامل دوم افزایش قابل توجه تعداد دست‌نوشته‌های ارائه شده در اوایل قرن نوزدهم بود که منجر به انتخاب و گزینش دست‌نوشته‌ها برای انتشار شد (مانسکه، ۱۹۹۷).

شیوه‌های به کار گرفته شده برای بررسی مقالات از قرن هفدهم تا قبل از جنگ جهانی دوم پیش‌پاافتاده و معمولی بوده است. در این دوره فرایند بررسی دست‌نوشته‌ها اغلب غیر مدون

1. Royal Society of Edinburgh

2. *Medical Essays and Observations*

3. *Philosophical Transaction of the Royal Society*

بوده و سردبیران همه تصمیم‌های مورد نظر را شخصاً اتخاذ می‌کردند (رولند، ۲۰۰۲). همزمان با افزایش تعداد مجلات علمی و پژوهشی در قرن بیستم، موضوع داوری نیز از اهمیت و جایگاهی ویژه و کاملاً متفاوت با ۳۰۰ سال قبل برخوردار شد. موضوع همترازخوانی به میزان زیادی در زمینه علوم پزشکی مورد مطالعه قرار گرفته است. مجله انجمن پزشکی آمریکا (جاما)^۱ تاکنون مسئولیت چهار کنگره بین‌المللی را در زمینه همترازخوانی در انتشارات زیست پزشکی برعهده داشته است (بنوس، ۲۰۰۳؛ رولند، ۲۰۰۲). هدف مشترک این تلاش‌ها توسعه برنامه همکاری پژوهشی مرتبط با همترازخوانی در سطح بین‌المللی در موضوع پزشکی است. این کار به منظور افزایش کیفیت انتشارات پزشکی صورت می‌گیرد (رولند، ۲۰۰۲). مشکل دیگر این‌که، علی‌رغم سابقه طولانی مدت همترازخوانی، این فرایند موضوع بررسی‌های دقیق علمی نبوده است. این وضعیت تا اوایل دهه ۱۹۹۰ ادامه داشت تا این‌که پژوهش‌ها در این زمینه جنبه رسمی به خود گرفت و در مجلات گوناگون به چاپ رسید (ون‌روین، ۲۰۰۱).

تعریف مفاهیم و اصطلاحات

همترازخوانی (peer review) از دو کلمه بررسی (review) و افراد همتراز (peer) تشکیل شده است. برای تعریف دقیق‌تر این اصطلاح، ابتدا دو کلمه سازنده آن مورد توجه قرار گرفته و سپس در ادامه تعریف همترازخوانی ارائه می‌شود. بررسی عبارت است از گزارش ارزیابی‌کننده یک عملکرد^۲، محصول عرضه شده، و یا اثر علمی یا ادبی^۳ که قرار است منتشر شود. آثار علمی یا ادبی معمولاً توسط اشخاص واجد شرایط برای انتشار در یک روزنامه، مجله عمومی یا مجله علمی تهیه می‌شوند. گزارش ارزیابی‌کننده می‌تواند به صورت توصیفی^۴، گزارشی^۵، تطبیقی^۶ یا انتقادی^۷ (ریتز، ۲۰۰۰) و یا ترکیبی از موارد پیش‌گفته ارائه شود. واژه peer در فرهنگ لغت به معنای هم‌سطح، همتراز و هم‌سنخ ذکر شده است و در واقع به افرادی اطلاق می‌شود که از لحاظ سن یا تجربه و تخصص تقریباً هم‌سطح هستند و در یک حوزه مشغول به فعالیت‌اند (سینکلر و همکاران، ۱۹۹۵) و به اصطلاح همتراز هستند.

از آن‌جا که اصطلاح همترازخوانی در موارد دیگری نیز دارای کاربرد است، در این مقاله صرفاً به کاربرد آن در عرصه انتشارات اشاره می‌شود، که شامل مقالات ارائه شده به مجلات علمی،

1. *Journal of the American Medical Association (JAMA)*
2. performance
3. literary or scholarly work
4. descriptive
5. reportorial
6. comparative
7. critical

مقالات پیشنهاد شده به کنفرانس‌ها، تک‌نگاشت‌ها و کتاب‌های علمی هستند. به‌طور معمول، ادبیات علمی در این حوزه کاربرد فرایند همترازخوانی در مورد مقاله‌های مجلات را نسبت به سایر انتشارات علمی بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد (رولند، ۲۰۰۲). لذا، همترازخوانی در مجلات علمی به‌عنوان یکی از روش‌های عمده برای ارزشیابی مورد استناد قرار می‌گیرد. ارزیابی انتقادی، مستقل و بدون سوگیری^۱ ویژگی همه‌آثاری است که در فرایند تولیدات علمی قرار می‌گیرند (رایتز، ۲۰۰۰). فرایند همترازخوانی به سردبیر کمک می‌کند از محتوای علمی و وضعیت نگارشی یک مقاله آگاه شده و سپس تصمیم‌گیری کند (ون‌روین، ۲۰۰۱). افرادی که در این‌جا از آن‌ها به‌عنوان همتراز نام بردیم داوران مقالات هستند.

داور کارشناسی است که حوزه تخصصی‌اش شامل موضوع یک کتاب یا مقالات یک مجله تخصصی است و معمولاً همتراز با صاحب اثر است که سردبیر مجله یا ناشر کتاب نسخه پیش‌نویس اثر را قبل از انتشار برای وی می‌فرستد (ریترز، ۲۰۰۰). داور همانند یک دروازه‌بان است که وظیفه اصلی‌اش قضاوت در مورد کیفیت یک مقاله به‌منظور چاپ در یک مجله است. لذا، داور بایستی دانش کافی نسبت به تمامی متونی که در حوزه موضوعی مقاله منتشر شده‌اند داشته باشد (استیج، ۱۹۸۳) و مجله جایگاهی است که در آن داور قاضی کیفیت دست‌نوشته‌های ارائه شده است (پراونزال و استنلی، ۲۰۰۶). بنابراین داوران متخصصانی هستند که در رشته و حوزه تخصصی خویش صاحب‌نظر می‌باشند. با توجه به این مقدمات، تعریف نوشتار حاضر از «همترازخوانی» عبارت است از «ارزیابی دست‌نوشته‌های ارائه شده به مجلات توسط داور یا داوران هم‌تخصص و همتراز با نویسنده دست‌نوشته».

انواع داوری

به‌طور کلی، دو نوع فرایند داوری قابل شناسایی است: (۱) فرایند بررسی توسط سردبیر، که در این حالت داوری اغلب غیرمدون است و سردبیران همه‌تصمیم‌ها را به‌تنهایی اتخاذ می‌کنند. البته گاهی اوقات نیز به‌صورت غیررسمی مشورت‌هایی با همکاران انجام می‌دهند. این روش امروزه چندان مرسوم نیست. (۲) فرایند همترازخوانی سردبیر به اضافه دو داور، که داوران و نویسندگان مطابق جدول ۱ به چهار صورت زیر می‌توانند با هم رابطه داشته باشند (هرنان و شوارز، ۲۰۰۳؛ رولند، ۲۰۰۲).

1. unbiased

جدول شماره ۱. نوع داوری و رابطه نویسنده(ها) با داور(ها)

نوع داوری	هویت نویسنده	هویت داور
داوری باز یا آزاد	آشکار	آشکار
داوری پنهان	آشکار	پنهان
داوری امضا شده	پنهان	آشکار
داوری پنهان دو طرفه	پنهان	پنهان

در نوع داوری باز یا آزاد^۱، هویت نویسنده(ها) و داور(ها) برای یکدیگر آشکار است. در داوری پنهان^۲، هویت نویسنده برای داور آشکار است، ولی نویسنده هیچ اطلاعی درباره داور ندارد. داوری معلوم^۳، کاملاً برعکس حالت قبل است و هویت داور برای نویسنده مشخص است. در داوری پنهان دو طرفه^۴ در این حالت هیچ‌کدام از دو طرف (نویسنده و داور) از هویت یکدیگر آگاه نیستند. با وجود پنهان بودن هویت نویسنده برای داور در حالت «داوری پنهان» و «داوری پنهان دو طرفه» ممکن است که سبک نویسندگی^۵ از طریق برخی علائم، مانند فهرست کتاب‌شناسی، برای داوران آگاه و باهوش مشخص شود (رولند، ۲۰۰۲). برای حل این مشکل گروهی از سردبیران سعی می‌کنند که دست‌نوشته را از ارجاعات کتاب‌شناختی یا متنی آشکارکننده هویت نویسنده پاک کنند. هدف از این کار تضمین این موضوع است که نام یا وابستگی شخص بر روی قضاوت تأثیر نگذارد.

انتخاب داوران

انتخاب داوران به صورت‌های مختلفی انجام می‌شود. یک روش بسیار معمول انتخاب داوران مجله توسط سردبیر آن مجله است. معمولاً سردبیران از افرادی که در حوزه‌ها و موضوعات تخصصی مورد نیاز مجله صاحب‌نظر و صاحب آثار و تألیفاتی هستند، برای داوری مقالات مجله دعوت می‌کنند (پولاک، ۱۹۹۵). هر سردبیر معمولاً فهرستی از اسامی داوران بالقوه را دارد که ممکن است از سردبیر قبلی، اعضای هیئت تحریریه، اسامی استناد شده در یک دست‌نوشته یا اسامی جست‌وجوشده در آثار منتشر شده به دست آورده باشد. همچنین بعضی از

1. open refereeing
3. Signed refereeing
5. authorship

2. blinded refereeing
4. double-blinded refereeing

آن‌ها ممکن است شخصاً با سردبیر آشنا باشند. روش‌های دیگری که سردبیران برای تهیه لیستی از داوران می‌توانند به کار گیرند شامل موارد زیر هستند:

- درخواست از نویسندگان برای معرفی پژوهشگران به‌عنوان داور؛
- چاپ فهرستی از موضوعات تحت پوشش مجله و درخواست از خوانندگان (داوران بالقوه) برای انتخاب حوزه‌های تخصصی‌شان؛
- تشکیل کمیته منظمی از داوران و درخواست از آن‌ها برای معرفی داور دوم برای هر دست‌نوشته؛

- پست کردن پرسشنامه / دعوت‌نامه برای داوران بالقوه؛

- درخواست از خوانندگان برای تکمیل پرونده تخصصی‌شان؛

- دنبال کردن توصیه‌های داوران جاری؛

- استفاده از پژوهشگرانی که به‌طور مستقیم با آن‌ها تماس گرفته‌اند؛

- و بالاخره انتشار فرم علائق داوران (ولر، ۲۰۰۱: ۱۵۲-۱۵۴).

نویسندگان دیگر نیز ملاک‌ها و معیارهایی را به دست داده‌اند. مثلاً پولاک (۱۹۹۵) معیارهایی از قبیل نویسنده اول بودن در پنج مقاله یا تخصص در آمار یا طرح‌های تجربی را برای داوران توصیه می‌کند. سالاشه (۱۹۹۷) پنج ویژگی لازم برای یک داور را ذکر می‌کند. این پنج ویژگی عبارتند از: داشتن تخصص در موضوع مورد بررسی، داشتن وقت کافی برای بررسی دست‌نوشته، داشتن تمایل به بهبود وضعیت دست‌نوشته، داشتن توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه و بدون پیش‌داوری، و نداشتن هیچ‌گونه برخورد سلیقه‌ای با نویسندگان و موضوع دست‌نوشته. بعضی از نویسندگان نیز معتقدند که سن یا تجربه ممکن است در عملکرد داوران نقشی اساسی ایفا کند. به‌عنوان نمونه، گوردون (۱۹۸۰) دریافت که سردبیران بر این باورند که داوران جوان‌تر نسبت به همکاران مسن‌تر یا داوران مشهور کار را جدی‌تر می‌گیرند.

ارزیابی داوران

در ارزیابی داوران، موضوعاتی از قبیل رابطه بین کیفیت گزارش داوری و ویژگی‌های داوران، تجربه آن‌ها در زمینه داوری و موقعیت علمی و حرفه‌ای آن‌ها مورد نظر قرار می‌گیرد. نیلنا، ریس و کارلسون (۱۹۹۴) در تحقیقی بر روی ۳۱۲ همترازخوانی مربوط به ۱۵۶ داور دریافتند که داوران جوان و با تجربه ارزیابی‌های دقیق‌تری را ارائه می‌کنند. همچنین این تحقیق نشان داد که جنسیت، تخصص و ملیت داوران تأثیر قابل توجهی بر کیفیت داوری آن‌ها ندارد (گوردون، ۱۹۸۰). مشابه این نتایج را کلیور و همکارانش (۲۰۰۵) پس از بررسی ۹۸۹ داور مجله

ای جی آر^۱ به دست آوردند. بر این اساس، کیفیت داوری ارتباط مستقیم و مثبتی با عواملی مانند جوان بودن داور، متخصص بودن و وابستگی داور به مؤسسات دانشگاهی دارد. این در حالی است که عواملی مانند جنسیت، سال‌های داوری، رتبه دانشگاهی و وضعیت نهایی دست‌نوشته‌ها تأثیری بر کیفیت فرایند داوری ندارد. فریدمن (۱۹۹۵) دریافت که داوران با تجربه و پرکار جزء بهترین داوران بوده و بیشترین ارزیابی‌ها را تولید می‌کنند. گولوگوف (۱۹۸۸) نیز عقیده دارد که داوران باید از اعضای هیئت علمی دانشگاه و دارای انتشارات منظم باشند. به عقیده آندرس و وردن (۱۹۹۰) گروه داوری یک مجله باید یکدست باشد.

ولر در کتابش به هفده مطالعه اشاره می‌کند که به این موضوع پرداخته‌اند (۲۰۰۱، ۱۵۵). تعدادی از این مطالعات یافته‌هایی را درباره مدت زمان بازگرداندن دست‌نوشته‌ها توسط داوران ذکر کرده‌اند. ردمن (۱۹۷۰) دریافت که اعضای هیئت تحریریه مجله (۷۱ درصد در سه هفته) سریع‌تر از داوران دیگر (۵۲ درصد در سه هفته) دست‌نوشته‌ها را برمی‌گردانند. گولوگوف (۱۹۸۸) در زیست‌شناسی و گیگذ (۱۹۹۰؛ ۱۹۹۱) در علوم کتابداری دریافت‌اند که بیش از ۹۰ درصد دست‌نوشته‌ها در طی چهار هفته برگشت داده شده‌اند. گروه دیگری از مطالعات تعداد مجلاتی را که یک داور برای آن‌ها داوری می‌کند، تعیین کرده و دریافتند که داوران معمولاً برای بیش از یک مجله داوری می‌کنند (پیگ، ۱۹۸۷؛ آندرس و وردن ۱۹۹۰). پنج مطالعه در حوزه پزشکی به بررسی زمان صرف شده توسط داور برای بررسی یک دست‌نوشته پرداخته‌اند. در اولین مطالعه، یانکاور (۱۹۹۰) دریافت که ۲۶۵ داور مجله آمریکایی سلامت عمومی^۲ ۲/۷ ساعت برای داوری هر دست‌نوشته صرف می‌کنند. تنها ۱۳ درصد از این داوران فقط برای مجله مزبور داوری می‌کنند. در دومین مطالعه که توسط لاک و اسمیت (۱۹۹۰) (سردیران مجله BMI به‌منظور مقایسه دست‌نوشته‌های روان‌پزشکی و کودکان انجام شده است، آن‌ها در طی ۹ ماه بررسی دریافتند که هر داور به‌طور متوسط ۶ دست‌نوشته دریافت کرده و زمان صرف شده برای هر دست‌نوشته ۲ ساعت بوده است. سومین مطالعه توسط مک‌نات و همکارانش (۱۹۹۰) به مقایسه مدت زمان داوری در روش داوری پنهان و آشکار می‌پردازد. این تحقیق نشان می‌دهد که داوران در حدود سه ساعت برای هر دست‌نوشته در هر دو روش صرف می‌کنند و بنابراین دو روش از لحاظ صرف زمان توسط داوران تفاوتی با یکدیگر ندارند. در چهارمین مطالعه، داوران مجله درمان و داروشناسی بالینی^۳ نشان داده‌اند که آن‌ها در حدود سه ساعت را در طول دو روز صرف داوری آخرین دست‌نوشته کرده‌اند (ریدنبرگ و ریدنبرگ، ۱۹۹۱)؛ و بالأخره در آخرین

1. American Journal of Romathology (AJR)

2. American Journal of Public Health

3. Clinical Pharmacology and Therapeutics

مطالعه نیز نیلنا، ریس و کارلسون (۱۹۹۴)، لوک و اسمیت بر روی مدت زمان صرف شده توسط داوران بررسی کرده و دریافته‌اند که آن‌ها برای داوری هر دست‌نوشته ۱/۶ ساعت وقت صرف می‌کنند.

پرسش‌های پژوهش

برای ترسیم سیمای نسبتاً مناسبی از وضعیت فرایند داوری در مجله جامعه‌شناسی ایران پرسش‌های کلی زیر در نظر گرفته شدند:

- ۱) وضعیت دریافت دست‌نوشته‌ها و سهم قبول و رد در فرایند داوری چگونه است؟
- ۲) فرایند داوری در مجله جامعه‌شناسی ایران چگونه است؟ نوع داوری مجله چگونه است؟ نحوه انتخاب داوران چگونه است؟ و با چه ملاک‌هایی انتخاب می‌شوند؟
- ۳) توزیع ویژگی‌های داوران مجله جامعه‌شناسی ایران چیست؟ توزیع داوران مجله جامعه‌شناسی ایران به چه صورت است؟ این توزیع با توجه به متغیرهای جنس، سن، محل سکونت، رشته تحصیلی، رتبه دانشگاهی، وابستگی داور به مجله (داخلی / خارجی) و محل اخذ مدرک دانشگاهی چگونه بوده است؟
- ۴) در نهایت به دنبال آن هستیم بدانیم بین این متغیرهای جمعیت‌شناختی داوران و نتایج داوری دست‌نوشته‌ها چه روابطی وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش اسنادی و از نوع تحلیل ثانویه است. بدین معنی که مبتنی بر فن تحلیل داده‌های موجود و نه گردآوری اطلاعات توسط پژوهشگران است. جمعیت آماری این پژوهش شامل تمامی داوری‌هایی است که اسناد مربوط به آن‌ها در آرشیو مجله جامعه‌شناسی ایران تا انتهای سال ۱۳۸۵ موجود بوده است. به بیان دیگر، هر آزمودنی در این مطالعه یک فرم داوری تکمیل شده برای دست‌نوشته مورد بررسی است. تعداد کل فرم‌های داوری در بازه زمانی مطالعه - نیمه دوم ۱۳۸۱ تا نیمه اول ۱۳۸۵ - برابر با ۷۹۸ مورد سند داوری بوده است.

برای تحلیل یافته‌های تحقیق از آزمون‌های مربع خی، تی، تحلیل واریانس یکطرفه برای استخراج روابط و مقایسه‌های دو متغیری و سه متغیری و نیز رگرسیون لاجستیک برای بررسی رابطه نتیجه نهایی اعلام شده به نویسنده دست‌نوشته به‌عنوان متغیر وابسته (پذیرش، عدم پذیرش) و متغیرهای جمعیت‌شناختی مستقل مطرح شده در این پژوهش استفاده شده است.

معرفی مجله جامعه‌شناسی ایران

اولین مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران زیر عنوان نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران و بدون ذکر تاریخ انتشار (احتمالاً ۱۳۷۲ باشد) منتشر شد و سپس شماره دوم نیز با چهار سال فاصله در سال ۱۳۷۶ منتشر شد. چهار شماره دیگر نیز در سال ۱۳۸۰ زیر همین عنوان و در قالب «ویژه‌نامه‌های دومین همایش مسائل اجتماعی ایران» منتشر شد.

از سوابق و داوری‌های صورت گرفته درباره نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران مدرکی در دست نیست و نمی‌توان قضاوت صریحی از وضعیت داوری مقالات آن به دست داد. از بدو تأسیس انجمن جامعه‌شناسی ایران تاکنون یعنی در ۱۵ سال گذشته ۲۰ شماره از مجله منتشر شده است. از سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۷۹ تنها دو شماره از مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران زیر عنوان نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران منتشر شد. در سال ۱۳۸۰ نیز چهار شماره از مجله مذکور منتشر شد که در مجموع شش شماره زیر عنوان نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران منتشر شد. از سال ۱۳۸۱ نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران به مجله جامعه‌شناسی ایران تغییر یافت و با سبک و ساختاری جدید و متفاوت با گذشته ولی در همان راستا استمرار یافت. با تلاش‌هایی که صورت گرفت در پایان همان سال موفق به دریافت امتیاز علمی-پژوهشی از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شد^۱. تاکنون ۱۴ شماره از مجله جامعه‌شناسی ایران منتشر شده است که چنان‌که پیشتر نیز عنوان شد با احتساب ۶ شماره گذشته زیر عنوان نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران مجموعاً ۲۰ شماره مجله تا نیمه اول سال ۱۳۸۵ منتشر شده‌اند^۲. از همان ابتدای شکل‌گیری مجله جامعه‌شناسی ایران، به فرایند داوری، نوع داوری، و ابزار داوری، با توجه به رسالت و سیاست مجله جامعه‌شناسی ایران اهمیت خاصی داده شد. همان‌گونه که در بخش مقدمه نیز مطرح شد وجود آرشیو کاملی از داوری‌ها و مقالات دریافتی که از آغاز کار مجله جامعه‌شناسی ایران تدوین شده است، امکان مطالعه و بررسی و بازنگری و اصلاح موضوعات مرتبط و مؤثر در تولید مجله را فراهم می‌نماید.

۱. امتیاز علمی-پژوهشی مجله جامعه‌شناسی ایران به شماره ۳/۲۹۱۰/۱۶۳۹ مورخ ۳/۱۲/۲۵/۱۳۸۱ از طرف کمیسیون نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ شد.

۲. شایان توضیح است که تحریریه مجله جامعه‌شناسی ایران برای تنظیم ادوار مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران دوره اول را همان شماره اول (که احتمالاً ۱۳۷۲ منتشر شده است) و دوره دوم را شماره دوم (۱۳۷۶) و دوره سوم را چهار شماره منتشر شده در سال ۱۳۸۰ زیر عنوان نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران تلقی نموده و سپس استمرار آن را زیر عنوان مجله جامعه‌شناسی ایران از سال ۱۳۸۲ از دوره چهارم پی گرفت (بنگرید به اصلاحیه مندرج در صفحه اول مجله شماره ۱، دوره پنجم، بهار ۱۳۸۳).

یافته‌های پژوهش

در مدت ۴ سال، یعنی از نیمه دوم سال ۱۳۸۱ (تقریباً سال ۱۳۸۲) تا نیمه اول سال ۱۳۸۵ تعداد ۴۱۸ دست‌نوشته در دفتر مجله جامعه‌شناسی ایران ثبت شد و در مجموع ۷۹۸ مورد ممتازخوانی توسط ۱۲۶ داور (بنگرید به پیوست مقاله) در مورد دست‌نوشته‌های یاد شده انجام گرفت که به‌طور متوسط در مورد هر دست‌نوشته ۱/۹ (تقریباً برابر با ۲) داوری صورت گرفته است^۱. پراکندگی میزان ممتازخوانی در میان داوران از ۱ تا ۷۳ مورد متغیر بوده است. از این تعداد دست‌نوشته ۸۵ مقاله معادل ۲۰ درصد در ۱۲ شماره مجله جامعه‌شناسی ایران منتشر شده و ۳۳۳ دست‌نوشته معادل ۸۰ درصد از دست‌نوشته‌ها پذیرفته نشده‌اند. نتایج مذکور نشان می‌دهد که نرخ پذیرش مقاله در مجله جامعه‌شناسی ایران در مجموع ۲۰ درصد و نرخ رد ۸۰ درصد است.

فرایند ممتازخوانی در مجله جامعه‌شناسی ایران

فرایند ممتازخوانی در مجله جامعه‌شناسی ایران با توجه به نوع داوری مورد استفاده «دوطرفه پنهان» است که مطابق نمودار شماره ۱ به شرح زیر است. ابتدا دست‌نوشته دریافت شده در دفتر مجله ثبت می‌شود. سپس هویت نویسنده / نویسندگان از روی دست‌نوشته حذف و دست‌نوشته به صورت بی‌نام در فرایند داوری قرار می‌گیرد. یعنی از این مرحله به بعد واحد تحلیل، دست‌نوشته و محتویات و مدعیات آن است و آنچه در این مرحله فی‌نفسه هویت می‌یابد دست‌نوشته است. این فرایند از ابتدای ثبت مقاله تا اعلام نتیجه با محوریت عنوان مقاله صورت می‌گیرد.

دست‌نوشته در اولین فرصت در اختیار سردبیر قرار می‌گیرد تا مورد مطالعه اولیه قرار گیرد. در این مرحله سردبیر دست‌نوشته را به لحاظ ویژگی‌های عمومی و معیارهای یک دست‌نوشته علمی - پژوهشی و هم از حیث ربط موضوعی مورد بررسی قرار می‌دهد و در اولین جلسه

۱. علت کاهش میانگین ممتازخوانی نسبت به سال‌های گذشته (بنگرید به ارشاد، قاراخانی و میرزایی، ۱۳۸۲) را باید در پیگیری سیاست مجله و عدم انطباق بسیاری از مقالات با سیاست مذکور (به‌ویژه از بابت ربط موضوعی و عدم رعایت الزامات یک مقاله علمی) و اعمال داوری اولیه توسط سردبیر و هیئت تحریریه درباره همه مقالات وارد شده پیش از ارسال برای سه داور در نظر گرفت لذا بسیاری از مقالات در همان مرحله اول با داوری سردبیر و نظارت هیئت تحریریه و در پاره‌ای موارد یک داور منتخب از دور داوری کنار گذاشته می‌شوند. با وجود این دست‌نوشته‌هایی که در نهایت برای چاپ مناسب تشخیص داده می‌شوند، عموماً به وسیله ۳ داور و گاهی بیشتر ارزیابی شده است.

تحریریه مجله ارائه می‌نماید. در این مرحله ممکن است ۲ حالت رخ دهد: ۱) سردبیر پس از مطالعه اولیه و ضمن مشورت با اعضای تحریریه دست‌نوشته را به دلیل عدم رعایت موارد یادشده رد نماید، ۲) سردبیر دست‌نوشته را دارای ویژگی‌های یاد شده دانسته و با مشورت تحریریه مجله ۳ داور که ترجیحاً یکی از آن‌ها داور داخلی / عضو تحریریه و دو نفر دیگر داور خارجی هستند انتخاب نماید. در مورد اخیر نظر داور مطابق نمودار سه حالت دارد. الف) رد می‌کند، ب) مشروط به اعمال اصلاحات می‌کند، پ) مستقیماً می‌پذیرد.

در مورد الف و پ تکلیف دست‌نوشته روشن است و داور به صراحت اعلام نظر کرده است. اما در مورد ب نویسنده باید اصلاحات مورد نظر داور را انجام دهد. سپس مقاله اصلاح شده مجدداً در اختیار همان داور قرار می‌گیرد تا اصلاحات درخواستی کنترل شود. داور در این مرحله دست‌نوشته را الف) رد می‌کند، ب) مشروط به ادامه و اعمال مجدد اصلاحات می‌کند، یا پ) مستقیماً می‌پذیرد. از آنجایی که تقریباً همه مقالات پذیرفته شده در مجله حداقل به پاره‌ای اصلاحات نیاز دارند می‌توان گفت مسیر عمومی پذیرش مقالات در مجله همین مسیر است. روال عمومی در مجله به این صورت است که نامه اصلاحات پس از استخراج نظرهای داوران و با فرمت خاص مجله جامعه‌شناسی ایران برای نویسندگان ارسال می‌شود. در پاره‌ای موارد نیز کپی برگه داوری با حذف مشخصات داور در اختیار نویسنده قرار می‌گیرد. مجله فهرستی تجربی و طبقه‌بندی شده از داوران همکار و متخصص در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی را در اختیار دارد که به هنگام طرح مقالات در جلسات هیئت تحریریه توسط سردبیر متناسب با موضوع مقاله مطرح شده از آن استفاده می‌نماید.



نمودار شماره ۱. فرایند همترازخوانی در مجله جامعه‌شناسی ایران

زمان صرف شده برای همتراخوانی

پرسش از نمونه‌ای کوچک از داوران مجله نشان داد که زمان صرف شده برای مرور یک دست‌نوشته بین ۲ تا ۳ ساعت است. اگر متوسط زمان مذکور را $2/5$ ساعت در نظر بگیریم، آن‌گاه با احتساب ۷۹۸ داوری موجود زمان صرف شده از اواسط سال ۱۳۸۱ تا اواخر سال ۱۳۸۵ برابر با ۱۹۹۵ ساعت است. میانگین ساعات صرف شده در مجموع برای همتراخوانی هر داور در دوره مورد مطالعه برابر با $15/8$ ساعت است. و دامنه پراکندگی آن در میان داوران با توجه به تعداد داوری‌های هر داور بین $2/5$ تا $182/5$ ساعت است.

برای محاسبه صرف وقت برای فرایند داوری، لازم است که فعالیت‌های هیئت تحریریه منتخب نیز به ساعات داوری اضافه شوند. در این مدت بیش از ۱۵۰ جلسه هیئت تحریریه برگزار شده است که میانگین زمان صرف شده در این جلسات برابر با $3/5$ ساعت می‌باشد. در هر جلسه بین ۶ تا ۸ نفر از اعضای تحریریه شرکت نموده‌اند که مجموع ساعات صرف شده در کل جلسات نیز برابر با ۳۶۷۵ ساعت می‌باشد. اگر از ساعات کار مدیر مسئول، سردبیر و مدیر داخلی مجله و سایر ساعات پراکنده صرف‌نظر نماییم. همین دو مورد، یعنی ساعات کار داوران و هیئت تحریریه - زمانی برابر با ۵۶۷۰ ساعت کار علمی رایگان می‌شود که داوطلبانه در ارتباط با مجله جامعه‌شناسی ایران صورت گرفته است.

اگر زمان صرف شده را بر ۴۱۸ دست‌نوشته وارد شده به دفتر مجله در بازه زمانی مذکور تقسیم نماییم، میانگین زمان صرف شده برای اعلام نتیجه هر کدام از این مقالات برابر با $13/6$ ساعت به دست خواهد آمد.^۱ و اگر زمان مذکور را بخش بر ۸۵ مقاله منتشر شده در ۱۲ شماره مجله نمایم میانگین زمان صرف شده برای هر مقاله منتشر شده برابر با $66/7$ به دست می‌آید که فقط تا اعلام نتیجه را شامل می‌شود و زمان صرف شده برای چندین بار ویرایش علمی توسط سردبیر و مدیر داخلی را شامل نمی‌شود. در مجموع، به‌طور متوسط در هر شماره از مجله جامعه‌شناسی ایران ۷ مقاله منتشر می‌شود. برای تدارک این ۷ مقاله و تنظیم هر شماره از مجله زمانی برابر با ۴۶۷ ساعت فقط توسط داوران و اعضای هیئت تحریریه مجله صرف می‌شود.

۱. اگر پراکندگی مقالات دریافتی از نویسندگان را در بازه زمانی مذکور (از نیمه اول سال ۱۳۸۱ تا نیمه دوم سال ۱۳۸۵) لحاظ نماییم در می‌یابیم زمان صرف شده برای نویسنده‌ای که تنها یک دست‌نوشته در مدت مذکور به مجله جامعه‌شناسی ایران ارسال نموده برابر با $13/6$ ساعت است. و در همین مدت در مورد نویسنده‌ای که ۱۸ دست‌نوشته را برای مجله ارسال کرده زمان تقریبی اختصاص داده شده برای داوری مقالات این نویسنده $18 = 245$ * $13/6$ ساعت است، در حالی که هیچ‌کدام از مقالات ارسالی این نویسنده نیز از سوی داوران برای چاپ در مجله توصیه نشده است.

ویژگی‌های داوران مجله جامعه‌شناسی ایران

یافته‌های این پژوهش با توجه به مندرجات جدول ۲ نشان می‌دهد از ۷۹۸ مورد همترازخوانی تعداد ۶۴۳ همترازخوانی معادل ۸۰/۶ درصد توسط ۱۰۴ داور مرد و ۱۵۵ همترازخوانی معادل ۱۷/۵ درصد توسط ۲۲ داور زن صورت گرفته است. میانگین همترازخوانی برای داوران مرد برابر با ۶/۲ و برای داوران زن برابر با ۷ بوده است. نرخ نتایج «غیر قابل چاپ»، «چاپ با اصلاحات» و «چاپ به صورت فعلی» برای داوران مرد به ترتیب برابر با ۴۰ درصد، ۵۱ درصد و ۹ درصد و برای داوران زن به ترتیب برابر با ۴۳ درصد، ۵۰ درصد و ۷ درصد بوده است. آماره مربع خی رابطه‌ای را بین جنس و نتیجه نهایی دست‌نوشته نشان نمی‌دهد ($\chi^2 = 1.715, df = 2, p = .672$). آزمون t نیز اختلافی را براساس میانگین نمرات مقیاس ۱۴ گویه‌ای مندرج در ابزار داوری مجله (برای مطالعه مقیاس بنگرید به ارشاد، قاراخانی و میرزایی: ۱۳۸۴) بین دو گروه داوران مرد و زن نشان نمی‌دهد ($t = 35.0, df = 439, p = .726$). میانگین نمرات به‌دست آمده برحسب مقیاس رتبه‌ای ۱۴ گویه‌ای مندرج در ابزار داوری مجله با حداقل ۱ و حداکثر ۵، برای گروه داوران مرد برابر با ۲/۸۹ و برای گروه داوران زن برابر با ۲/۸۵ به‌دست آمده است.

جدول شماره ۲. اطلاعات جمعیت‌شناختی داوران و میزان داوری‌ها

داوری‌ها		داوران		اطلاعات جمعیت‌شناختی	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۸۰/۶	۶۴۳	۸۲/۵	۱۰۴	مرد	جنس
۱۹/۴	۱۵۵	۱۷/۵	۲۲	زن	
۲۰/۶	۱۶۴	۲۹	۳۴	کمتر از ۴۵ سال	سن
۳۳/۰	۲۴۳	۴۸	۴۵	بین ۴۵ تا ۶۰ سال	
۳۶/۵	۲۹۱	۳۳	۳۹	بیش از ۶۰ سال	
۹۲/۴	۷۳۷	۹۰	۱۱۴	تهران	محل سکونت
۷/۶	۶۱	۱۰	۱۲	شهرستان	
۸۷/۶	۶۹۹	۶۵/۹	۸۳	جامعه‌شناسی	رشته تحصیلی
۱۲/۴	۹۹	۳۴/۱	۳۳	سایر رشته‌ها	
۳۷/۵	۲۹۹	۳۳	۵۴	ایران	محل اخذ مدرک
۶۲/۵	۴۹۸	۵۷	۷۲	خارج از ایران	
۵۰/۳	۴۰۱	۵۸	۷۳	استادیار	رتبه دانشگاهی
۳۵/۷	۲۸۵	۲۶	۳۳	دانشیار	
۱۴	۱۱۲	۱۶	۲۰	استاد	
۱۰۰	۷۹۸	۱۰۰	۱۲۶	جمع کل	

یافته‌های به‌دست آمده حاکی از آن است که اگرچه یک ترکیب متناسب و متعادل سنی جوان، میانسال و مسن در میان داوران مجله به چشم می‌خورد، با این حال سهم ۳۸ درصدی داوران میانسال (بین ۴۵ تا ۶۰ سال) کمی بیش از داوران جوان و مسن است. میزان همترازخوانی به‌ترتیب برای گروه‌های جوان، میانسال و مسن برابر با ۳۶/۲، ۵۰/۳ و ۱۳/۵ درصد است و میانگین همترازخوانی صورت‌گرفته برای سه گروه مذکور به ترتیب برابر با ۴/۸، ۷/۶ و ۷/۵ است. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، اختلاف میانگین معناداری را بین گروه‌های یاد شده براساس ابزار داوری ۱۴ گویه‌ای مجله نشان می‌دهد ($F = ۸/۴۵۰$ ، $df = ۴۴۷$ ، $p = .۰۰۰$). به این معنی که میانگین نمره مقیاس داوری به ترتیب برای داوران جوان، میانسال و مسن برابر با ۲/۶۹، ۳/۰۲ و ۲/۷۹ به‌دست آمده است. در آزمون رگرسیون لاجستیک خواهیم دید که این اختلاف معنی‌دار توسط متغیرهای دیگر کنترل خواهد شد.

متغیر محل سکونت نشان می‌دهد که اغلب داوران مجله جامعه‌شناسی ایران (۹۰ درصد) شاغل در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی مستقر در تهران هستند. به تعبیر دیگر، سهم داوران ساکن شهر تهران در مجله جامعه‌شناسی ایران نسبت به سهم مجموع داوران سایر شهرهای ایران ۹ در برابر ۱ است. میزان همترازخوانی برای گروه ساکن تهران برابر با ۹۲/۴ درصد و برای داوران شهرستانی برابر با ۷/۶ است. میانگین همترازخوانی‌های صورت‌گرفته در میان داوران ساکن شهر تهران و داوران ساکن شهرستان‌ها به ترتیب برابر با ۶/۵ و ۶/۱ است. (برای مطالعه سهم داوران و میزان همترازخوانی صورت‌گرفته با توجه به دانشگاه بنگرید به جدول شماره ۲). سهم اندک داوران شهرستانی امکان یک مقایسه متعادل را فراهم نمی‌کند و آزمون نتایج آن نیز خیلی قابل اعتنا نیست، لذا از آن صرف‌نظر نمودیم.

رشته تحصیلی ۶۶ درصد از داوران جامعه‌شناسی و ۳۴ درصد دیگر شامل سایر رشته‌ها اعم از ارتباطات، انسان‌شناسی، برنامه‌ریزی شهری، علوم سیاسی، حقوق، تاریخ و... است. میانگین همترازخوانی برای داوران جامعه‌شناس برابر با ۸/۴ و برای داوران سایر رشته‌ها برابر با ۲/۳ است.

یافته دیگر با توجه به متغیر «محل اخذ مدرک دانشگاهی» نشان می‌دهد که ۳۷/۵ درصد از داوران مدرک خود را از دانشگاه‌های ایران و ۶۲/۵ درصد نیز مدرک خود را خارج از ایران اخذ نموده‌اند. از گروه اخیر ۱۵ درصد از آمریکا، ۳۲ درصد از فرانسه، ۳۳ درصد از انگلیس و ۲۱ درصد نیز از سایر کشورها نظیر آلمان، استرالیا، کانادا و... مدرک‌شان را اخذ نموده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که میزان همترازخوانی داورانی که مدرک‌شان را خارج از ایران

اخذ نموده‌اند، بیش از داورانی است که مدرک‌شان را در ایران اخذ نموده‌اند. میانگین‌های به‌دست آمده حاکی از آن است که ارجاع مقالات به داورانی که مدرک‌شان را خارج از ایران گرفته‌اند برابر با ۷ و برای داورانی که مدرک‌شان را از ایران اخذ نموده‌اند برابر با ۵/۵ بوده است. نتایج آزمون مربع خفی رابطه‌ای را بین محل اخذ مدرک و نتیجه نهایی دست‌نوشته نشان نمی‌دهد ($\chi^2 = ۰/۱۰۱$, $df = ۲$, $p = ۰/۹۵۱$). نتایج آزمون تی نیز اختلاف میانگین معناداری را براساس مقیاس داوری ۱۴ گویه‌ای مجله نشان نمی‌دهد ($t = -۰/۸۳۸$, $df = ۴۳۹$, $p = ۰/۴۰۳$). مرتبه علمی داوران مجله جامعه‌شناسی ایران متغیر دیگری است که شامل سه رتبه استادیار، دانشیار و استاد است^۱. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که درصد مشارکت در همترازخوانی برای هر یک از گروه‌های مذکور به ترتیب برابر با ۵۰/۳، ۳۶/۲ و ۱۳/۵ است. چنان‌که پیش‌بینی می‌شود، سهم ۵۸ درصدی جمعیت استادیاران میزان همترازخوانی آن‌ها را به نسبت گروه‌های دانشیار و استاد افزایش داده است. اما میانگین تعداد همترازخوانی در میان سه گروه مذکور به ترتیب برابر با ۵/۵، ۸/۸ و ۵/۴ است. نتایج آزمون مربع خفی رابطه معنی‌داری را بین نتیجه نهایی دست‌نوشته و رتبه علمی داور نشان نمی‌دهد ($\chi^2 = ۳/۴۱۴$, $df = ۴$, $p = ۰/۴۹۱$). همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه اختلاف میانگین معناداری را بین گروه‌های یاد شده براساس مقیاس داوری ۱۴ گویه‌ای مجله نشان نمی‌دهد ($F = ۱/۱۴۴$, $df = ۴۴۷$, $p = ۰/۳۲۰$). سهم داوری داخلی (داوری توسط اعضای تحریریه) در مجله جامعه‌شناسی ایران برابر با ۴۱۹ مورد و معادل ۵۲/۵ درصد و سهم داوری خارجی برابر با ۳۷۹ مورد و معادل ۴۷/۵ درصد است. نتایج آزمون مربع خفی رابطه‌ای را بین نوع داور و نتیجه نهایی دست‌نوشته نشان نمی‌دهد ($\chi^2 = ۲/۹۷۶$, $df = ۲$, $p = ۰/۲۲۶$). نتایج آزمون تی نیز اختلاف میانگین معناداری را براساس مقیاس داوری ۱۴ گویه‌ای مجله در میان دو گروه داوران نشان نمی‌دهد ($t = ۰/۴۱۲$, $df = ۴۴۶$, $p = ۰/۶۸۱$).

توزیع داوری‌ها در میان دانشگاه‌ها

اطلاعات مندرج در جدول ۳ درباره توزیع داوری‌های مجله جامعه‌شناسی ایران نتیجه چهار سال داوری در این مجله است که بدون هیچ‌گونه پیش‌فرضی با توجه به لیست موجود در مجله و امکانات مالی آن صورت گرفته است.

۱. تنها دو نفر از داوران مجله دارای رتبه دانشگاهی در سطح مربی بودند که برای سهولت محاسبات و با توجه به تخصص‌شان آن‌ها را در گروه استادیاران قرار دادیم. ضمن این‌که حذف آن‌ها از جمعیت آماری نیز تأثیر چندانی بر نتایج نداشت.

جدول شماره ۳. توزیع داوری‌ها در میان دانشگاه‌ها

داوری‌ها		داوران		دانشگاه / مؤسسه
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۴/۸	۱۹۸	۳۶/۵	۴۶	دانشگاه تهران
۱۹/۳	۱۵۴	۱۴/۳	۱۸	دانشگاه علامه طباطبایی
۱۱/۹	۹۵	۳/۲	۴	دانشگاه تربیت معلم
۷/۴	۵۹	۷/۱	۹	دانشگاه شهید بهشتی
۶/۱	۴۹	۴/۸	۶	دانشگاه تربیت مدرس
۵/۵	۴۴	۵/۶	۷	دانشگاه الزهرا
۵/۴	۴۳	۰/۸	۱	دانشگاه پیام‌نور
۳/۸	۳۰	۶/۳	۸	دانشگاه آزاد اسلامی
۳/۹	۳۱	۱/۶	۲	دانشگاه فردوسی مشهد
۲/۹	۲۳	۱/۶	۲	دانشگاه شهید چمران اهواز
۱/۳	۱۰	۳/۲	۴	دانشگاه اصفهان
۰/۵	۴	۱/۶	۲	دانشگاه شیراز
۰/۱	۱	۰/۸	۱	دانشگاه تبریز
۰/۱	۱	۰/۸	۱	دانشگاه گیلان
۰/۱	۱	۰/۸	۱	دانشگاه کرمان
۰/۱	۱	۰/۸	۱	دانشگاه شاهد
۶/۵	۵۲	۹/۵	۱۳	سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات
۱۰۰	۷۹۸	۱۰۰	۱۲۶	جمع

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود دانشگاه تهران به‌ویژه دانشکده علوم اجتماعی بیشترین حجم داوری مقالات مجله جامعه‌شناسی ایران را به خود اختصاص داده است. پس از آن دانشگاه علامه طباطبایی و به‌ویژه دانشکده علوم اجتماعی و دانشکده علوم ارتباطات آن نقش مؤثری در داوری مقالات مجله جامعه‌شناسی ایران داشته‌اند. دلیل اصلی افزایش سهم داوری مقالات در این دانشکده‌ها را باید در تنوع گروه‌های آموزشی و تعداد زیاد اعضای هیئت علمی این دانشکده‌ها و احتمالاً دسترسی سریع به داوران دانست. در میان گروه‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌ها، داوران دانشگاه تربیت معلم نیز سهم به‌سزایی در داوری مقالات به خود اختصاص داده‌اند. گروه علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهید بهشتی، تربیت مدرس و الزهرا پس از آن قرار دارند. ۷۵ درصد داوری‌های صورت گرفته در مورد مقالات مجله جامعه‌شناسی ایران در میان داوران عضو هیئت علمی دانشگاه‌های مذکور متمرکز است. البته همه این داوران هم لزوماً

جامعه‌شناس نبوده‌اند و با توجه به تخصص و اعتبار علمی‌شان در رشته‌های همجوار (نظیر تاریخ، علوم سیاسی، حقوق و...) انتخاب شده‌اند.

رابطه بین متغیرهای مستقل و نتایج مقالات

متغیر وابسته در این پژوهش متغیر دو مقوله‌ای پذیرش یا عدم پذیرش مقاله توسط داوران است. لذا از تحلیل رگرسیون لاجستیک^۱ برای شناسایی متغیرهای پیش‌بینی‌کننده در پذیرش یا عدم پذیرش مقالات استفاده شد.

از آنجایی که در رگرسیون لاجستیک فقط دو ارزش / مقدار ممکن برای متغیر وابسته (y) وجود دارد، نیازی به ویژگی خطی بودن^۲ که ویژگی اغلب تحلیل‌های چندگانه است نیست. در واقع، فرض اصلی در این جا این است که توزیع اطلاعات به بهترین وجه با یک نمودار S مانند^۳ با بیشترین موارد به درستی در یکی از دو مقوله متغیر وابسته جای گیرد (گیلس، ۲۰۰۲: ۷۴).

در این پژوهش، مقدار مربع خی به دست آمده (۲۸/۸۰۸) در سطح ۰/۰۰۰، $p <$ معنی‌دار است. این بدان معنی است که از میان متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیون حداقل یکی از آن‌ها با متغیر وابسته رابطه دارد و امکان استفاده از این آزمون برای تحلیل آماری وجود دارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد از میان متغیرهای جنس، سن، رشته تحصیلی، نوع داور، محل اخذ مدرک و رتبه دانشگاهی، تنها بین متغیرهای رشته تحصیلی داور (جامعه‌شناسی / سایر رشته‌ها)، نوع داور (داخلی / خارجی) و رتبه دانشگاهی داور (استادیار، دانشیار و استاد) از یک سو و نتیجه ارزیابی دست‌نوشته (پذیرش / عدم پذیرش) از سوی دیگر رابطه وجود دارد. و مقدار مربع خی برای متغیرهای رشته تحصیلی داور، نوع داور و رتبه دانشگاهی داور در سطح ۰/۰۱، $p <$ معنی‌دار است. بنابراین از میان متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیون متغیرهای رشته تحصیلی داور، نوع داور و رتبه دانشگاهی داور از متغیرهای پیش‌بین در این مدل هستند.

در مورد رشته تحصیلی با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره ۴ احتمال پذیرش دست‌نوشته در *مجله جامعه‌شناسی ایران* از سوی داوران غیرجامعه‌شناس / سایر رشته‌ها، بیشتر از داوران جامعه‌شناس است. نتایج به دست آمده همچنین نشان می‌دهند که بین نتیجه داوری (پذیرش / عدم پذیرش) و نوع داور (داخلی / خارجی) نیز رابطه وجود دارد. به این معنی که

1. logistic regression
3. sigmoidal (s)

2. linearity

جدول شماره ۴. ضرایب رگرسیونی رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و پذیرش مقالات

Odds Ratio	Sig	S.E.	B	متغیرهای مستقل
۱/۶۸۳	۱/۱۲۱	۱/۲۴۶	-۱/۳۸۱	جنس (زن = ۰)
				سن (گروه مقایسه مسن)
۱/۶۸۸	۱/۲۷۱	۱/۳۳۹	-۱/۳۷۳	جوان
۱/۱۱۱۸	۱/۶۲۷	۱/۲۳۰	۱/۱۱۲	میانسال
۱/۴۱۸	۱/۰۰۳	۱/۲۹۵	-۱/۸۷۳**	رشته تحصیلی (جامعه‌شناسی = ۰)
۱/۴۸۵	۱/۰۰۰	۱/۲۰۲	-۱/۷۲۳**	نوع داور (داور داخلی = ۰)
۱/۷۴۰	۱/۲۲۳	۱/۲۴۷	-۱/۳۰۱	محل اخذ مدرک (ایران = ۰)
۱/۳۶۹	۱/۳۴۰	۱/۳۲۹	۱/۳۱۴	رتبه دانشگاهی (گروه مقایسه استادان)
				استادیاران
۱/۵۶۵	۱/۰۴۱	۱/۲۸۰	-۱/۵۷۰**	دانشیاران
۷/۲۱۰	۰/۰۰۰	۰/۴۷۴	۱/۹۷۶**	مقدار ثابت

$\chi^2=28/808, df=8, p=0/000, n=580$ **Correlation is significant at the level of 0.01 (one-tailed)

احتمال پذیرش مقالات نزد اعضای تحریریه مجله بیشتر از داوران خارج از هیئت تحریریه (داوران خارجی) است. رتبه دانشگاهی داور نیز بر احتمال پذیرش مقالات تأثیر دارد. با توجه به این‌که گروه مقایسه در این جا گروه استادان است به تفسیر مقایسه‌ها می‌پردازیم. میزان پذیرش مقالات نزد گروه استادان کمتر از گروه دانشیاران است. این یافته نشان می‌دهد که نرخ پذیرش مقاله نزد گروه دانشیاران به نسبت سایر گروه‌ها (گروه استادان و استادیاران) بیشتر است. بین دو گروه استادان و استادیاران تفاوت معنی‌داری در پذیرش مقالات وجود ندارد. در فرایند کلی نیز احتمال عدم پذیرش مقالات نزد گروه استادان نسبت به سایر گروه‌ها بیشتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

مرور پیشینه هم‌ترازخوانی نشان می‌دهد که ادبیات این موضوع به صورت مکتوب و حرفه‌ای سابقه چندانی ندارد. به جرئت می‌توان ادعا نمود که در ایران اثری تجربی و منتشر شده در باب فرایند هم‌ترازخوانی نیست، یا اگر هم موردی هست احتمالاً در آرشوهای شخصی باقی مانده و در دسترس دیگران قرار ندارد. تنها مجله‌ای که اولین بار اقدام به انتشار نتایج داورى مقالات اش نمود مجله جامعه‌شناسی ایران بود (بنگرید به ارشاد، قاراخانی و میرزایی: ۱۳۸۴) که

بررسی فرایندها و روندهای مجله را به صورت تجربی برای بهبود سیاست‌گذاری‌های آتی در پیش گرفت.

با پرداختن به موضوع همترازخوانی در زمینه ایران اولاً، قصد داشتیم اهمیت آن را در فرایند داوری و نهایتاً تولیدات علمی با کیفیت خاطر نشان سازیم. چنان‌که ۹۴ درصد از پاسخ‌دهندگان پژوهش مک نایت و پرایس^۱ نیز لزوم چنین فرایندی را در مجلات چاپی ضروری می‌دانند (به نقل از رولند، ۲۰۰۲). ثانیاً، همترازخوانی را می‌توان بخشی از وظایف اجتماع علمی تلقی کرد که می‌تواند در راستای «ایجاد فضای هنجاری و تأمین کنترل اجتماعی در تکوین معرفتی و اصلاح فرایندهای آموزشی و پژوهشی ایفای نقش کند» (قانع‌راد، ۱۳۸۵: ۲۷). این مهم همان کنترل کیفیت اطلاعات منتشر شده^۲ به منظور اشاعه اطلاعات صحیح و معتبر و مهم‌ترین عملکردی است که می‌توان برای مجلات علمی در نظر گرفت (رولند، ۲۰۰۲) که به نوبه خود باعث ایجاد اجماع و اشتراک دیدگاه در میان اندیشمندان می‌شود (قانع‌راد، ۱۳۸۵). در حالی‌که «... در فقدان اجماع پژوهشی، فعالیت‌های علمی انسجام خود را از دست می‌دهند و این ناهمگرایی مانع پیشبرد علم و کارایی پژوهشگران و اثربخشی پژوهش‌ها می‌گردد» (همان: ۳۱-۳۲). فرایندهای همترازخوانی می‌تواند اسباب این همگرایی و انسجام علمی را در هر حوزه علمی فراهم نمایند و کیفیت پژوهش‌های علمی را تحت تأثیر قرار داده و بهبود بخشد که از آن تحت عنوان «معیارهای درون‌گرایانه و مرور همالان» (قانع‌راد، ۱۳۸۱: ۵۷) یاد می‌کنند.

از طرفی، بخشی از وظایف هر نهاد یا انجمن برای تولید و رهبری علمی و صنفی رشته تخصصی خود با هدف ایجاد تعامل علمی و صنفی بین اعضا در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی در دو محور اهداف علمی-رشته‌ای و حرفه‌ای است (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۵۰). موضوع همترازخوانی با هر دو هدف یاد شده و بندهای ذیل آن‌ها ارتباط قوی‌ای پیدا می‌کند. مثلاً در ذیل اهداف علمی با «تقویت علمی و انتقادی در محیطی، آزاد، خردمندانه و به دور از سلطه» و «چاپ و انتشار مجلات علمی و ذخیره اطلاعات» و در ذیل اهداف حرفه‌ای با «تنظیم اصول و قواعد عمل جمعی یا اخلاق کار و فعالیت در هر حوزه تخصصی»، «تعیین معیارهای ارزیابی فعالیت‌های علمی (آموزشی-پژوهشی)»... مربوط می‌شود (بنگرید به عبداللهی، ۱۳۸۱: ۵۰-۵۱).

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فرایند همترازخوانی در مجله جامعه‌شناسی ایران واجد

1. Mekinght & Price

2. quality control of published information

مختصاتی مطابق با معیارها و رویه‌های بین‌المللی است. نوع داوری به کار رفته در این مجله «پنهان دو طرفه» است. با وجود این، ارجاعات کتاب‌شناختی انتهای متن و سبک نوشتاری نویسنده و پاره‌ای تأکیدات و مشخصه‌های نوشتاری نویسندگان و حتی موضوع دست‌نوشته احتمال دارد هویت نویسنده / نویسندگان را برای داوران هویدا نماید. در مورد داوران مجله جامعه‌شناسی ایران نمی‌توان قضاوت صریحی در باب پیشداوری‌های رخ داده احتمالی در این زمینه نمود و این موضوع ضمن دشوار بودن نیازمند پژوهش است. از سویی، برای اجتماع کوچک جامعه‌شناسان ایرانی این موضوع اگرچه حائز اهمیت است اما در مقایسه با موضوعات اساسی دیگر اولویت چندانی ندارد. با این حال پژوهش در زمینه‌های هنجارهای علمی نتایج قابل توجهی را به همراه خواهد داشت. تحلیل اطلاعات حاصل از فرایند همترازخوانی در یک مورد نشان داد که مقالات ارسال شده به دفتر مجله جامعه‌شناسی ایران عموماً و به ترتیب در دو بعد «روش‌شناختی و نظری» یعنی ستون‌های اصلی پژوهش جامعه‌شناختی دچار آشفتگی، ضعف و کاستی اساسی هستند (بنگرید به ارشاد، قاراخوانی و میرزایی، ۱۳۸۴).

بهره‌گیری مجله جامعه‌شناسی ایران از داوری پنهان دو طرفه نشانگر توجه دست‌اندرکاران این مجله به قوت این‌گونه داوری در جلوگیری از سوگیری‌های احتمالی که در بخش انواع داوری به آن‌ها اشاره شد. با این حال چنان‌که پیشتر نیز عنوان شد تا رفع برخی سوء تفاهم‌ها راه دشواری در پیش است. برای حفظ دو «معیار کیفیت و ارتباط^۱» (قانع‌ی‌راد، ۱۳۸۱) همترازخوانی مبتنی بر معیارهای درون‌گرایانه و مرور همالان است که به‌طور مستقیم در ارزیابی کیفیت پژوهش‌های علمی نقش مستقیم دارد. نقش غیر مستقیم آن را می‌توان ملهم از معیار دوم در جهت‌گیری‌های تقاضا محور در فعالیت‌های علمی و پژوهشی ملاحظه کرد. که با برآورده کردن معیارهای کیفیت و اثربخشی به فعالیت‌های علمی مشروعیت می‌بخشد و از این طریق ضمن ارائه پاداش‌های درون‌گروهی، پاداش‌های برون‌گروهی را نیز به همراه دارد. البته خود این موضوع به نوع برداشت از نهاد علم بستگی دارد و «در برگیرنده این واقعیت است که هرکس بتواند به کار دیگران اعتماد کند، چراکه نظام شناختی علم ریشه در اصالت اخلاقی دانشمندان دارد» (زوکرم، ۱۹۸۹: ۵۲۱ به نقل از محسنی، ۱۳۷۲: ۹۴).

یافته دیگری که در این پژوهش حائز اهمیت است اختصاص ۹۰ درصد سهم همترازخوانی در مجله جامعه‌شناسی ایران به داوران ساکن تهران است. می‌توان چند دلیل برای این توزیع

1. relevance

نامتناسب ارائه کرد: ۱) متخصصان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان ایرانی نظیر سایر رشته‌ها عمدتاً در تهران متمرکز هستند، ۲) خدمات علمی ارائه شده توسط داوران، هیئت تحریریه و سردبیر به مجله جامعه‌شناسی ایران تا این تاریخ رایگان و داوطلبانه بوده است و میزان آن در بازه زمانی مذکور بالغ بر ۵۶۷۰ ساعت بوده است و به جز در پاره‌ای موارد حق‌الزحمه‌ای پرداخت نشده است. ۳) در فرایند داوری، اخذ نتیجه در اسرع وقت حائز اهمیت است، لذا چنان‌که پیشتر عنوان شد با توجه به این‌که تراکم اعضای هیئت علمی و متخصصان (از لحاظ کمی و کیفی) بیشتر در تهران است در توجه به این اولویت ناگزیر بوده‌اند (۴) از آن‌جایی که کتابچه راهنمایی^۱ در زمینه شرح حال اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها وجود ندارد، لذا، برای هیئت تحریریه آگاهی از تخصص و میزان علاقه همکاران برای پیوستن به داوران مجله جامعه‌شناسی ایران میسر نبوده است.

یافته دیگر این پژوهش حاکی از آن است که نرخ رد دست‌نوشته در مجله جامعه‌شناسی ایران برابر با ۸۰ درصد است و ۱۰ درصد از ۲۰ درصد مقاله پذیرفته شده نیز مستلزم اصلاحات جدی با حمایت و مشاوره داوران و اعضای مجله برای بهبود نسبی کیفیت است. این بدان معنی است که سردبیر و هیئت تحریریه مجله جامعه‌شناسی ایران خدمات آموزشی زیادی را با همکاری داوران و به صورت رایگان در اختیار نویسندگان قرار می‌دهند. تمایل داوران داخلی/اعضای هیئت تحریریه مجله به پذیرش و منوط به اصلاحات نمودن مقالات در مقایسه با داوران خارجی مؤید این امر است (بنگرید به نتایج مندرج در جدول ۴). اما این تلاش آن‌ها نیز اگرچه بخشی از مشکل را با تحمل دشواری‌های بسیار و صرف وقت و هزینه‌های زیاد حل می‌کند، اما مشکل عمومی پیش‌گفته در رابطه با جامعه‌شناسی ایران و تولیدات علمی و پژوهشی همچنان وجود دارد. نرخ عدم پذیرش مقالات در مجله جامعه‌شناسی ایران را می‌توان با برخی مجلات معتبر و مطرح در سطح جهان مقایسه کرد. نرخ رد دست‌نوشته در فصلنامه روان‌شناسی اجتماعی^۲ برابر با ۷۴ درصد، نظریه جامعه‌شناختی^۳ برابر با ۸۳ درصد، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش^۴ برابر با ۸۴ درصد، جامعه‌سنجی^۵ برابر با ۸۵ درصد و برای مجله مسروری‌های جامعه‌شناختی آمریکایی^۶ برابر با ۸۴ درصد است (بنگرید به ولر، ۲۰۰۱: ۲۴).

پژوهش‌هایی که ولر (۲۰۰۱) برای نشان دادن وضعیت داوران به آن‌ها اشاره کرده است،

1. prospectus

3. *Sociological Theory*

5. *Sociometry*

2. *Social Psychology Quarterly*

4. *Sociology of Education*

6. *American Sociological Review (ASR)*

متوسط ۱/۶ تا ۳/۴ ساعت را برای داوری هر مقاله ذکر کرده‌اند که به متوسط ساعات داوری یک دست‌نوشته توسط جامعه‌شناسان ایرانی - ۲/۵ ساعت - نزدیک است. اما متوسط ۳/۳ مقاله برای هر داور (۴۱۸ مقاله برای ۱۲۶ داور) در طول دوره چهار ساله مورد بررسی که معادل ۰/۹ مقاله برای هر داور در طول یک سال است، نسبت به ارقامی که ولز (۲۰۰۱) ذکر می‌کند، ۱۲ تا ۱۹ مقاله در سال، حاکی از فاصله زیاد میان داوران مجلات خارجی و مجله جامعه‌شناسی ایران است. این تفاوت فاحش را می‌توان ناشی از تعداد زیاد مجلات خارجی و محدود بودن حوزه موضوعات پذیرش مقاله در این مجلات دانست که تمایل مجلات خارجی به استفاده از تعداد نسبتاً محدودی از داوران گزینش شده را موجب می‌شود.

از میان ویژگی‌های داوران، تنها میان رشته تحصیلی، نوع داور (داخلی یا خارجی بودن)، و رتبه دانشگاهی از یک سو و وضعیت پذیرش یا رد (تصمیم نهایی مجله) رابطه وجود دارد. این سه متغیر در تحقیقات قبلی مورد توجه خاص قرار نگرفته بودند. متغیر دیگری که بیشتر بدان اشاره شده نباید از نظر سیاست‌گذاران علم و تکنولوژی در کشور دور بماند، تراکم ۹۰ درصدی داوران در تهران است. این مسئله که در پژوهش حاضر یافته‌ای خرد می‌نماید، می‌تواند سررشته‌ای از مجموعه‌ای پرسش‌ها برای پژوهش‌های آتی در خصوص بررسی علل چنین تمرکزی در زمینه تولید علم در پایتخت و نیز تحلیل شبکه‌های علمی در کشور به دست دهد. در پایان می‌توان اذعان داشت که استفاده از فرایند همترازخوانی به‌طور مستقیم و غیر مستقیم مانع انحراف از هنجارهای اجتماع علمی می‌شود. «دو مورد از جدی‌ترین تخلفات از هنجارهای اجتماعی علم تقلب و سرقت تألیفات، اختراعات و به‌طور کلی آثار دیگران است که به مفهوم نقض اعتماد و تجاوز به تملک یافته‌های دیگران محسوب می‌شود» (محسنی، ۱۳۷۲: ۹۴). و از سویی مانعی برای «سوء استفاده از قدرت کارشناسانه و ایجاد علم قلابی» است. «مسئله علم قلابی [زمانی در جامعه مطرح می‌شود که ساخت کنترل‌کننده، که می‌باید از طریق کارشناسان خبره و کارآزموده اعمال شود، با اشکال مواجه باشد و به خوبی اعمال نشود» (همان: ۸۲).

منابع

- ارشاد، فرهنگ، قاراخانی معصومه و میرزایی سید آیت‌الله (۱۳۸۴). تحلیل اسناد داوری. مجله جامعه‌شناسی ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۶ (۴)، صص: ۳-۳۳.
- اشتراوس، آنسلم و کوربین جولیت (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و روش‌ها. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دازندورف، رالف (۱۳۷۷). انسان اجتماعی. ترجمه غلامرضا خدیوی. تهران: آگاه.

- عبداللّهی، محمد. (۱۳۸۱). عملکرد انجمن‌های علمی در زمینه ترویج و توسعه علم و اخلاق علمی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۴ (۱)، صص: ۴۷-۶۳.
- قانع‌زاد، محمدامین. (۱۳۸۱). شیوه جدید تولید دانش: ایدئولوژی و واقعیت. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۴ (۳)، صص ۲۸-۵۹.
- قانع‌زاد، محمدامین. (۱۳۸۵). وضعیت اجتماع علمی در رشته علوم اجتماعی. *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۲۷، صص ۲۷-۵۶.
- گلوور، دیوید و همکاران. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی معرفت و علم*. ترجمه جمعی از مترجمان. تهران: سمت.
- محتسبی، منوچهر. (۱۳۷۲). *مبانی جامعه‌شناسی علم*. تهران: ظهوری.
- انجمن جامعه‌شناسی ایران. (۱۳۸۲). *عملکرد انجمن جامعه‌شناسی ایران: گزارش هیئت مدیره به مجمع عمومی انجمن جامعه‌شناسی ایران*.

- American psychological Association (APA). (2001). *Publication Manual of the American Psychological Association*. Whashington, DC: APA.
- Benos, D. J., Krik, K. L. and Hall, J. E. (2003) How to review a paper. *Advances in physiology education*, 27 (2): 47-52.
- Coelho, R. J., and Forg, J. L. (2000). Manuscript characteristics affecting reviewers' decisions for rehabilitation counseling related journals. *Journal of ehabilitation*, 66 (2), 4-8.
- Crawford, Susan. (1988). Editorials. Peer review and the evaluation of manuscripts. *Bulletin Medical Library Association*, 76 (1); 75-77.
- Endres, F. E., and Wearden, S. T. (1990). Demographic portrait of journal reviewers. *Educator*, 45 (2), 45-52.
- Friedman, D. P. (1995). Manuscript peer review at the AJR: facts, figures and quality assessment. *AJR*, 164; 1007-1009.
- Gidez, L. I. (1990). The peer review process: strengths and weaknesses- a survey of attitudes, perceptions, and expectations. *Paper presented at the Serial Librarian. St. Catharines, Ontario*.
- Giles, D. C. (2002) *Advanced Research Methods in Psychology*. Routledge.
- Glogoff, S. (1988). Reviewing the gatekeepers: A survey of referees of library journals. *Journal of the American Society for Information Science*, 39 (6) 400-407.
- Gordon, M. D. (1980) The role of referees in scientific communication. In J. Hartley (Ed.), *The Psychology of Written Communicaton*, selected readings. Newyork: Nichols Publishing CO.
- Hernon, P., and Schwartz, C. (2003) Editorial Peer review. *Library & Information*

- Science Research* 25; 359-361.
- International Committee of Medical Journal Editors (ICMJE). (2004). *Uniform requirements for manuscripts Submitted to biomedical Journals Writing and editing for biomedical publication.*
- Kliwerc, Mark A., et al. (2005). Reviewing the reviewers: comparison of Review Quality and reviewer characteristics at the American Journal of Roentgenology. *AJR*. 184; 1731-1735.
- Lock, S. and Smith. J., (1990). What do peer review do? *JAMA*, 263 (10), 1341-1343.
- Manske, P. R. (1997). Clinical perspective: a review of peer review. *The Journal of Hand Surgery* 22 A (5); 767-771.
- McNutt, R. A., et al. (1990). The effects of blinding on the quality of review. *JAMA*, 263 (10), 1371-1376.
- Nylenna, Magne, Riis, P. and Karlsson. Y, (1994). Multiple blinded reviews of the same two manuscripts. *JAMA*. 272 (2); 149-151.
- Pigg, R. M. (1987). Comments on the Journal peer review system. *Journal of School Health*, 57 (1), 5-7.
- Polak, J. F. (1995). The role of the manuscript reviewer in the peer review process. *AJR*. 165; 685-688.
- Provenzale, J. M; and Stanley. R. J. (2006). A Systematic Guide to Reviewing a Manuscript. *Jouranal of Nuclear Medicine Technology*, 34 (2); 92-99.
- Reidenberg, J. W. and Reidenberg, M. M. (1991). Clinical Pharmacology and Therapeutics: report of a survey of some aspects of editorial board peer review at Clinical Pharmacology and Therapeutix. *CLIN PHARMACOL THER*. 50 (1); 1-3.
- Reitz, J. M. (2000). ODLIS. Online Dictionary of Library and Information Science. Online available www.WCSU.edu/Library/odlis.html (20 Jan 2005).
- Rodman, H. (1970). The moral responsibility of journal editors and referees. *American Sociologist*, 5 (4), 351-357.
- Rowland, F. (2002). The Peer-review Process. *Learned publishing*, 15 (4); 247-258.
- Safasche, SJ. (1997). How to peer review a medical journal manuscript. *Dermatol Surg*, 23 (6); 423-8.
- Sinclair, J., Fox, G. Bullon, S. Manning, E. Bradbury, J. Murphy, C. Watson, J. Lax, M. Plaja, L. (1995). *Collins Cobuild English Dictionary*. London: Harper Collins Publishers.
- Steig, M. F. (1983). Referecing and the editorial process: The AHR and Webb. *Scholarly Publishing*, 99-122.

- van Rooyen, S. (2001). The evaluation of peer review quality. *Learned Publishing* 14 (2): 85-91.
- Weller, A. C. (2001). *Editorial peer review: Its strengths and weakness*. New Jersey: ASIST.
- Yankauer, A. (1990). Who are the Peer reviewers and how much do they review? *JAMA*, 263 (10); 1338-1340.
- Williamson, A. (2003). What will happen to peer review? *Learned Publishing* 16 (1): 15-20.

سید آیت‌الله میرزایی دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی است.
sayatmir@yahoo.com

محمد ابویی اردکان عضو هیئت علمی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران است.
abui@irandoc.ac.ir

معصومه قاراخانی دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس است.
masparsa@yahoo.com

فاطمه شیخ‌شعاعی کارشناس ارشد کتابداری است.
shoai@irandoc.ac.ir

پیوست

توزیع فراوانی داوری‌های مقالات مجله جامعه‌شناسی ایران از نیمه دوم ۱۳۸۱ تا نیمه اول ۱۳۸۵

ردیف	نام و نام خانوادگی داور	دانشگاه / مؤسسه	فراوانی همتراخوانی
۱	منصوره اعظم آزاده	دانشگاه الزهرا	۲۵
۲	هاشم آقاجری	دانشگاه تربیت مدرس	۱
۳	یوسفعلی ابادری	دانشگاه تهران	۱
۴	حسین پرویز اجلالی	دانشگاه آزاد	۱۰
۵	شیرین احمدنیا	دانشگاه علامه طباطبائی	۵
۶	حمید احمدی	دانشگاه تهران - علوم سیاسی	۴
۷	فرهنگ ارشاد	دانشگاه اهواز	۲۲
۸	مصطفی آزکیا	دانشگاه تهران	۱۶
۹	شاپور اعتماد	انجمن حکمت و فلسفه	۱
۱۰	شهبلا اعزازی	دانشگاه علامه طباطبائی	۱۷
۱۱	رکن‌الدین افتخاری	دانشگاه تربیت مدرس	۱
۱۲	حسین افخمی	دانشگاه علامه طباطبائی	۵
۱۳	حمید انصاری	دانشگاه تهران	۵
۱۴	جمشید ایرانیان	دانشگاه تهران	۱

ادامه جدول پیوست

۱	دانشگاه تهران	حسین ایمانی جاجرمی	۱۵
۱	دانشگاه الزهرا	سوسن باستانی	۱۶
۲	دانشگاه تهران	حسین بشیریه	۱۷
۱	علامه طباطبایی	بیگدلی دانشگاه	۱۸
۲	دانشگاه علامه طباطبایی	محمدحسین پناهی	۱۹
۲	دانشگاه تهران	احمد پوراحمدی	۲۰
۲	دانشگاه شهید بهشتی - علوم سیاسی	محمدرضا تاجیک	۲۱
۱	دانشگاه آزاد	ابوالحسن تنهایی	۲۲
۲	دانشگاه تهران	غلامعباس توسلی	۲۳
۱	دانشگاه علامه طباطبایی	ابراهیم توفیق	۲۴
۱	دانشگاه آزاد	نیره توکلی	۲۵
۱	دانشگاه علامه طباطبایی	نوبین تولایی	۲۶
۱۵	دانشگاه تهران	حمیدرضا جلالی پور	۲۷
۳۷	دانشگاه تربیت معلم	فاطمه جواهری	۲۸
۴۰	دانشگاه شهید بهشتی	مسعود چلبی	۲۹
۲۲	دانشگاه تربیت مدرس	علی محمد حاضری	۳۰
۱	دانشگاه تبریز	محمد حریری اکبری	۳۱
۲	دانشگاه تهران	سید حسن حسینی	۳۲
۷	مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی اقتصادی	غلامرضا حیدری	۳۳
۱	دانشگاه علامه طباطبایی	هادی خانیکی	۳۴
۱	دانشگاه شاهد	زنده‌یاد زهرا داربایور	۳۵
۴	مرکز اسناد و مدارک علمی ایران	بهزاد دوران	۳۶
۳	دانشگاه تهران	علیرضا دهقان	۳۷
۱۵	دانشگاه علامه طباطبایی	محمدسمید ذکایی	۳۸
۶	دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی	فریبرز رییس‌دانا	۳۹
۳	دانشگاه تهران	اعظم راودراد	۴۰
۱	دانشگاه اصفهان	علی ربانی خوراسگانی	۴۱
۲۸	دانشگاه تربیت معلم	احمد رجب‌زاده	۴۲
۱	دانشگاه گیلان	محمد مهدی رحمتی	۴۳
۱	دانشگاه علم و فرهنگ	محمد رضایی	۴۴
۲	دانشگاه تهران	جلال‌الدین رفیع‌فر	۴۵
۱	دانشگاه تهران	محمود روح‌الامینی	۴۶
۴۲	دانشگاه پیام‌نور	محمدجواد زاهدی مازندرانی	۴۷
۲۸	دانشگاه فردوسی مشهد	هما زنجانی‌زاده	۴۸
۱	دانشگاه کرمان	سیامک زند رضوی	۴۹
۷	دانشگاه تهران	باقر ساروخانی	۵۰
۱	دانشگاه تربیت مدرس	علی ساعی	۵۱

ادامه جدول پیوست

۵۲	جعفر سخاوت	دانشگاه علامه طباطبایی	۱۵
۵۳	سید حسین سراج‌زاده	دانشگاه تربیت معلم	۲۷
۵۴	علی‌اصغر سعیدی	دانشگاه تهران	۳
۵۵	خدیجه سفیری	دانشگاه الزهرا	۶
۵۶	سید بیوک محمدی	پژوهشگاه علوم انسانی	۱
۵۷	سیدمحمد سیدمیرزایی	دانشگاه شهید بهشتی	۱
۵۸	محمدرضا شادرو	دانشگاه علامه	۱
۵۹	ژاله شادی‌طلب	دانشگاه تهران	۲
۶۰	محمود شارع‌پور	دانشگاه مازندران	۲
۶۱	علیرضا شجاضی‌زند	دانشگاه تربیت‌مدرس	۱۳
۶۲	سارا شریعتی	دانشگاه تهران	۲
۶۳	علی شکوری	دانشگاه تهران	۱
۶۴	محمود شهبانی	دانشگاه علامه طباطبایی	۷
۶۵	ملیحه شبانی	دانشگاه تهران	۶
۶۶	داور شیخاوندی	دانشگاه آزاد	۱۱
۶۷	محمد شیخی	دانشگاه علامه‌طباطبایی	۱
۶۸	رحمت‌الله صدیق سروسنتی	دانشگاه تهران	۲
۶۹	محمدرضا طالبان	پژوهشکده امام خمینی	۱
۷۰	سعیدرضا عاملی	دانشگاه تهران	۳
۷۱	محمدجلال عباسی شوازی	دانشگاه تهران	۲
۷۲	محمد عبداللهی	دانشگاه علامه طباطبایی	۷۳
۷۳	حمید عبدالهیجان	دانشگاه تهران	۲
۷۴	عباس عبدی	دانشکده فنی مهندسی علوم تحقیقات دانشگاه آزاد	۳
۷۵	محمد علیزاده	سازمان برنامه و بودجه	۲
۷۶	غلامرضا غفاری	دانشگاه تهران	۱۰
۷۷	رضا فاضل	دانشگاه آزاد	۳
۷۸	نعمت‌اله فاضلی	دانشگاه علامه‌طباطبایی	۱
۷۹	مقصود فراستخواه	مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی	۱
۸۰	غلامعلی فرجادی	سازمان برنامه و بودجه	۳
۸۱	هوشنگ فرخجسته		۱
۸۲	ناصر فکوهی	دانشگاه تهران	۴
۸۳	سینا‌براهیم فیوضات	دانشگاه شهید بهشتی	۷
۸۴	مریم قاضی‌نژاد	دانشگاه الزهرا	۳
۸۵	محمدامین قانع‌راد	دانشگاه الزهرا	۲۲
۸۶	عبدالمعلی قوام	دانشگاه شهیدبهشتی	۳
۸۷	ناصر کاتوریان	دانشگاه تهران	۱
۸۸	علی‌محمد کاردان	دانشگاه تهران	۲

همترازخوانی در مجلات علمی

ادامه جدول پیوست			
۱	دانشگاه تهران	عباس کاظمی	۸۹
۶	دانشگاه تهران	شهلا کاظمی پور	۹۰
۱	پژوهشگر آزاد	مهديس کامکار	۹۱
۴	دانشگاه علامه طباطبائی	سوسن کیاری	۹۲
۳	دانشگاه اصفهان	محمود کتابی	۹۳
۱۰	دانشگاه تهران	حسین کچوتیان	۹۴
۳	دانشگاه اصفهان	صمد کلانتری	۹۵
۵	دانشگاه الزهرا	افسانه کمالی	۹۶
۲	دانشگاه تهران	مسعود کوثری	۹۷
۴	دانشگاه تربیت معلم	مسعود گلچین	۹۸
۳	دانشگاه شیراز	عبدالعلی لهسایی زاده	۹۹
۱	دانشگاه شهید بهشتی	اکبر مجدالدین	۱۰۰
۱	دانشگاه آزاد	حسن محدثی	۱۰۱
۱۳	دانشگاه تهران	علیرضا محسنی تهریزی	۱۰۲
۱	دانشگاه امام صادق	مهدی محستیان راد	۱۰۳
۳	دانشگاه شهید بهشتی	محمدرضا مشکاتی	۱۰۴
۱	دانشگاه تهران	حمیرا مشیرزاده	۱۰۵
۱۵	دانشگاه تهران	سعید معینفر	۱۰۶
۱	دانشگاه شیراز	علی اصغر مقدس	۱۰۷
۲	دانشگاه تهران	منیژه مقصودی	۱۰۸
۲	دانشگاه آزاد	علی ملک پور	۱۰۹
۱	دانشگاه شهید بهشتی	فریده ممتاز	۱۱۰
۱	دانشگاه الزهرا	مرتضی منادی	۱۱۱
۲	دانشگاه تهران	مهدی منتظر قائم	۱۱۲
۱	دانشگاه تربیت معلم	عباس منوچهری	۱۱۳
۳	دانشگاه الزهرا	سید یعقوب موسوی	۱۱۴
۱۰	دانشگاه تهران	علی اکبر مهربانی	۱۱۵
۵	دانشگاه تهران	محمد میرزایی	۱۱۶
۲	دانشگاه تهران	محمدرضا ناطق پور	۱۱۷
۱	دانشگاه تهران	هوشنگ ناییبی	۱۱۸
۱	دانشگاه اهواز	عبدالرحمن نبوی	۱۱۹
۱	دانشگاه شهید بهشتی	علی حسین نجفی ایراندآبادی	۱۲۰
۲	دانشگاه علامه طباطبائی	سیدرضا نقیب السادات	۱۲۱
۴	دانشگاه تهران	عبدالرحمن نیکبهر	۱۲۲
۹	دانشگاه تهران	منصور وثوقی	۱۲۳
۱	دانشگاه تهران	سیدضیاءهاشمی	۱۲۴
۴	دانشگاه اصفهان	بهجت یزدخواستی	۱۲۵
۳	دانشگاه فردوسی مشهد	علی یوسفی	۱۲۶
۷۹۸	کل		